

## پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت آغاز سال نو

سازش با نیروهای ارتجاعی محلی جوش و خروش مبارزاتی مردم را در نیمه راه فرو نشانند، اما از سوی دیگر فضای سیاسی و مبارزاتی موجود در این کشورها، فرصت هایی را برای جبران کمبودهای طبیعی که در متن این جنبشها وجود دارد، ایجاد کرده است. مردم این کشورها نیروی خود را باور کرده اند. آنان دیگر آن مردمی نیستند که بار تحقیر حاکمان فاسد خود را بر دوش بکشند. رکود و رخوت چند دهه گذشته در این منطقه پایان یافته است. مردم از پیروزی های قدم به قدم خود درس خواهند گرفت. بیداری سیاسی و اجتماعی و آگاهی و تجربه ای که در متن این مبارزات کسب شده است، دست مایه گذار به مراحل بعدی است.

اما رویدادهای منطقه تاثیر انکار ناپذیری بر فضای سیاسی ایران باقی گذاشته است. خیزش های انقلابی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، روحیه مبارزاتی مردم ایران را تقویت و اعتماد به نفس آنان را در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی نیرومندتر نمود. سرنگونی دیکتاتورهای یکبار دیگر غنچه امید به پیروزی را در دل مردم زجر کشیده این کشور شکوفا کرده است و جمهوری اسلامی امکان مانورهای منطقه ای را جهت تقویت موقعیت خود در داخل کشور از دست داده است.

آشفته گی اقتصادی جمهوری اسلامی و سرمایه داری ایران با مجازاتهای اقتصادی که از سوی دولتهای غربی اعمال میشود گسترده تر شده است و رژیم میکوشد بار این بحران را بر دوش کارگران و مردم کم درآمد بیاندازد. بدین ترتیب وضعیت آشفته سرمایه داری ایران اگر رژیم حاکم را از لحاظ گسترش برنامه های نظامی و تسلیحاتی اش تا حدودی محدود کرده است، در همان حال زندگی و معیشت روزانه اکثریت مردم این کشور را از هرسو تحت فشار طاقت فرسائی قرار داده است. بخش های وسیعی از کارگران تاوان بحرانی را پس می دهند که آنان را از خط تولید و بازار کار بیرون انداخته و بیکارشان کرده است. هزاران واحد تولیدی تعطیل شدند، میلیونها بیکار دیگر بر شمار بیکاران افزوده شده اند. بیش از نیمی از جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی



مردم مبارز و شریف ایران! فرا رسیدن نوروز و سال نو را به همه شما صمیمانه شادباش می گوئیم و برایتان در سال جدید شادی و موفقیت روز افزون آرزو می کنیم.

بگذارید در این روز از هزاران انسان مبارز و از هزاران رفیق انقلابی و کمونیستی یاد کنیم که در زندانها و شکنجه گاهها و در همه عرصه های مقاومت و مبارزه سیاسی و طبقاتی علیه بردگی سرمایه داری و حافظان نظم کهن، برای رهایی انسان جنگیدند. آنها عاشق زندگی بودند و به همین دلیل در راه بارور کردن درخت سرسبز آن جانبازی کردند. به خانواده های گرانقدرشان که صبورانه درد جانکاه از دست دادن عزیزانشان را تحمل کرده اند درود میفرستیم. سال نو را به همه مبارزین در بند رژیم جمهوری اسلامی تبریک می گوئیم و امیدواریم در آینده ای نه چندان دور درب زندانهای رژیم با قیام مردم در هم شکسته شود و این عزیزان سر بلند و پیروز به آغوش همزمان و خانواده هایشان باز گردند.

در کشورهای عقب مانده سرمایه داری استثمار و حشيانه و فقر شدید، در بدهی و بی سرپناهی، بیکاری گسترده و بی افقی جوانان، سطح نازل خدمات اجتماعی، شکاف طبقاتی و فاصله عمیق میان فقر و ثروت، فساد مالی سران و کارگزاران حکومتی، همه اینها دست به دست هم داده اند و جان مردم را در این جوامع به لب رسانده اند. در پاسخ به چنین شرایطی است که مردم ساکن در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا قیام کرده اند تا حق خود را از گلو حاکمان سنگدل و استثمارگران سودجو بیرون بکشند. امواج مبارزات انقلابی مردم در این منطقه که در نخستین گام های خود چند دیکتاتور قلدر را از قدرت بزیر کشید هنوز ادامه دارد. اگر چه این جنبش های انقلابی هنوز رهبری شایسته خود را شکل نداده اند، اگر چه نیروهای ارتجاعی اپوزیسیون می کوشند در خلاء ناشی از چنین کمبودی سوار بر موج مبارزات مردم به قدرت برسند، اگر چه دولت های امپریالیستی همه امکانات خود را به کار انداخته اند تا در



### حداقل دستمزد کارگران، چماق تورم و حکایت اشک تمساح خانه کارگری ها!



### کارگران مسئول بر کناری رژیم فاسد اسلامی در ایران

### اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

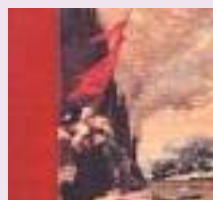


### افق جنبش زنان!



### هشت مارس دیگری آمد و رفت!

جنبش رهائی زنان، افق ها و دورنماها!  
(کنفرانس ۶ تا ۸ آوریل در هامبورگ)



### سالگرد کمون، اولین حکومت کارگری

صدیق اسماعیلی

## حداقل دستمزد کارگران، چماق تورم و حکایت اشک تمساح خانه کارگری‌ها

می‌کنند، بخش‌های وسیعی از مردم کم درآمد ناچار شده‌اند از بسیاری از نیازهای زندگی‌شان که تا دیروز کم و بیش به آن دسترسی داشتند، صرف‌نظر کنند و به زندگی فقیرانه تری تن در دهند.

اما شیشه عمر این رژیم و نظام ظالمانه‌ای که حافظ آن است در دستان طبقه‌ای است که چرخ زندگی جامعه را بر دوش میکشد. وحشت از تحرک بزرگ فردای این طبقه را در سیمای امروز رژیم و سرمایه‌داران بخوبی میتوان مشاهده کرد. طبقه‌ای که رهائی عمیق و انسانی همه انسانهای ستمدیده و محروم و زجر کشیده این جامعه را میسر خواهد کرد و روح همبستگی عمومی را در کالبد جامعه خواهد دمید.

سران رژیم به خوبی میدانند که طبقه کارگر ایران از چه ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای فلج کردن چرخ اقتصاد این کشور برخوردار است، میدانند که در دل زنان این کشور چه نفرت عمیقی از حکومت اسلامی لانه کرده است، میدانند که نسل جوان این کشور در چه ابعادی در برابر این رژیم و سنتها و روشها و فرهنگ ارتجاعی مقاومت میکنند، از توانائی بالقوه و بالفعل جنبش انقلابی مردم کردستان آگاه است، در مقابل همه این ظرفیتهای مبارزاتی تنها حربه‌ای که این رژیم در اختیار دارد، سرکوب است، که آنرا هم در حد زیادی آزموده است و نتوانسته است مردم را مرعوب و صدای اعتراض آنها را خاموش سازد. مردم مبارز!

تاریخ بارها نشان داده است که وقتی توده‌های وسیع محرومان و استثمارشدگان یک دل و یک صدا برای رها ساختن خود پا به میدان نبردی همه جانبه با استثمارگران و حکومتشان بگذارند، هیچ نیروئی نمی‌تواند جلودارشان باشد. تغییر دادن این شرایط، از بین بردن نقاط ضعف، ایجاد اعتماد و باور به قدرت خود در میان توده‌های وسیع مردم کارگر و زحمتکش و تصویر کردن افق روشن و مطلوب در مقابل این توده‌های عظیمی که خود ناجیان واقعی خویشند، وظیفه ماست. حزب کمونیست ایران مصممانه تلاش میکند تا در همه لحظات مبارزه آزادیخواهانه و طبقاتی جاری در ایران نقش شایسته خود را ایفا و به وظایف خود عمل کند. هر انسان آزادیخواهی، هر ملیت ستمدیده‌ای، هر زن آزاده‌ای، هر جوان حق طلبی، هر هنرمند متعهدی، میتواند جایگاه انسانی خود را در استراتژی و برنامه حزب کمونیست ایران بیابد. با این امید که سال جدید سالی پر از موفقیت‌های بزرگ برای کارگران و مردم حق طلبی باشد که در عرصه‌های مختلف این نبرد تاریخ ساز حضور دارند.

کارگران سوسیالیست! رفقای حزبی!

شما عزیزان که پنجه در پنجه یک دیکتاتوری هار مذهبی افکنده اید و بی باک از دشواریهای راه، آرمان کمونیسم را در جامعه ایران زنده نگهداشته اید، سنگ زیر بنای نبرد سرنوشت سازی هستید که هدف آن بنانهادن دنیائی آزاد و برابر و مرفه برای همه انسانها است. دنیائی که در آن خبری از کار مزدی و استثمار انسان بدست انسان نیست، دنیائی که در آن انسانها از محصول کار خود بیگانه نیستند، دنیائی که در آن تکامل آزادانه هر فرد شرط تکامل آزادانه همگان است، دنیائی که در آن هدف تولید نه کسب سود بلکه تامین نیازهای انسان است. دنیائی که در آن انسانها به قدر توانشان کار میکنند و به قدر نیازشان از امکانات موجود در جامعه بهره مند میشوند. دنیائی که در آن نشانی از نابرابری و ستمکاری وجود ندارد. در این روزهای نخست سال نو، به عزم و شور مبارزه‌ای که در وجودتان شعله می‌کشد درود می‌فرستیم و تلاشهای خستگی ناپذیرتان را ارج می‌نهمیم. بار دیگر سال نو را شادباش میگوئیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

نوروز ۱۳۹۱ مارس ۲۰۱۲

### مقدمه:

شورای عالی کار، حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۹۱ را اعلام کرد. از قبل مشخص بود که حداقل دستمزد را تعیین کرده‌اند اما اعلام علنی آن نیازمند مقدمه و پیش زمینه‌هایی بود که طبق معمول هر سال بایستی جدلهایی حول و حوش میزان حداقل دستمزد از جوانب سه گانه مطرح می‌شد. اعضای خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی کار که خود در شورای عالی کار حضور دارند برای ایجاد توهم در جهت افزایش دستمزد هر از گاهی موضع گیری‌هایی می‌کنند و به این شکل می‌خواهند نشان دهند که سر قیمت نیروی کار ایران و به نفع طبقه کارگر چانه‌زنی می‌کنند. قبل از اعلام علنی حداقل دستمزد از جانب شورای عالی کار، کریم صادق زاده دبیر اجرایی خانه کارگر استان آذربایجان گفت: "در شرایط فعلی مبلغ ۵۰۰ هزار تومان برای حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۱ مناسب است، چراکه با افزایش قدرت خرید کارگران کمی نسبت به گذشته مناسب‌تر خواهد شد که در این حالت هم بنگاه‌های اقتصادی توان پرداخت را خواهند داشت و هم شاهد ریزش نیروی کار و تضعیف واحدهای مختلف تولیدی با توجه به وضعیت اجرای هدفمندی یارانه که هزینه‌های بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی را ۷۵٪ برابر افزایش داده نخواهیم بود." از سوی دیگر یکی از نمایندگان کارفرمایان در شورای عالی کار گفت: "با توجه به شرایط موجود، کارفرمایان با افزایش یک درصدی دستمزد هم موافقت نخواهند کرد."

محافظین کارفرمایان و سرمایه‌داران در شرایطی این اظهارات و قبحانه را بیان می‌کنند که برای رفع بحران اقتصادی که دامنگیر رژیم شده و نیز با اجرای طرح یارانه‌ها - که بخشی از دستمزدهای پرداخت نشده طبقه کارگر است - تصمیم گرفته‌اند که حمله بر سفره خالی طبقه کارگر و اقشار ستمدیده جامعه را شدت بخشند. واقعیت امر این است که جدل و کشمکش مقامات دولتی به عنوان کارفرمای بزرگ و نیز کارفرمایان کوچک که بند نافشان به کارفرمای بزرگ وصل است، تنها این تصور را به کارگران القا می‌کند که بدون دخالت کارگران و نمایندگان واقعی آنها و با تغییراتی در این یا آن سیاست می‌توان مشکلات طبقه کارگر را حل کرد. آن‌ها به این ترتیب هم برای کارگران اشک تمساح می‌ریزند، هم علل واقعی مصائب را از آن‌ها

پنهان می‌نمایند و هم با ارائه راه حل‌های ساده، نظیر وضع تعرفه بر کالاهای خارجی و غیره، کارگران را به لطف این یا آن ارگان دولتی منتظر نگه می‌دارند. آنها از یک سو بحران اقتصادی خویش را به طبقه کارگر و اقشار ستمدیده جامعه تحمیل می‌کنند و از سوی دیگر با راه انداختن جنجال و موضع گیری‌های به ظاهر دلسوزانه، تلاش می‌کنند تا مانع حرکت‌های اعتراضی کارگران شوند. مصائبی که جناح‌های مختلف حاکمیت در جهت تسویه حساب با همدیگر به آنها اشاره می‌کنند برای کارگران خانه خرابی و در مواردی تباهی ایجاد می‌کنند. این مصائب ریشه در نظام سرمایه‌داری دارند که پرداختن به آن لازم است اما بدواً ترکیب شورای عالی کار و ماهیت این شورا نیاز به یادآوری است.

### ترکیب شورای عالی کار:

سال ۱۳۶۹ آن زمان که قانون کار رژیم اسلامی به اجرا در آمد، شورای عالی کار مسئولیت تعیین نرخ نیروی کار ایران را بر عهده گرفت. شورای عالی کار مرکب است از: ۱- نمایندگان دولت، که خود سرمایه‌داران عمده محسوب می‌شوند و قانون را وضع می‌کنند. این‌ها خواست‌ها و مطالبات کارگران را با تهدید و اخراج و دستگیری و صدور احکام زندان و شلاق و... پاسخ می‌دهند. هر گونه حرکت‌های اعتراضی را سرکوب و با تمام توانشان از منافع کارفرماها و سرمایه داران پشتیبانی می‌کنند. ۲- نمایندگان کارفرمایان، که تا سر حد توان می‌کوشند دستمزد های کمتری به کارگران پرداخت شود تا خود به سود های بیشتری دست یابند. ۳- نمایندگان خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی کار که به اصطلاح خود را به عنوان نماینده طبقه کارگر به حساب می‌آورند. خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی کار، که تشکل‌هایی ضد کارگری و وابسته به سرمایه هستند، نه تنها به سرمایه‌داران اعم از بخش‌های دولتی و خصوصی، با تحمیل حداقل دستمزد آن هم چندین برابر زیر خط فقر، یاری می‌رسانند بلکه به موازات اداره اطلاعات رژیم، فعالین مبارز کارگری و کارگران معترض را بارها زیر فشار قرار داده و از آن طریق همیشه سعی کرده‌اند که هر گونه صدای اعتراضی کارگران را خفه کنند و مانع از ایجاد تشکل و همبستگی کارگران شوند.

به این اعتبار نمایندگانی که از سه

جانب در این شورا برای تعیین دستمزد کارگران گرد هم می آیند، همه آنها ضد کارگران هستند. فرض براینکه اگر به جای نماینده خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی کار، نماینده ای به انتخاب کارگران در این شورا حضور داشته باشد، باز هم کاری از دست او بر نمی آید. چرا که دو رای نمایندگان دولت و کارفرمایان، به یک رای این نماینده می چربد. بنابراین باید صراحتاً گفت که این شیوه تعیین دستمزد و قانون "سه جانبه گرایی" روشی است که همواره به ضرر کارگران تمام شده و تماماً در خدمت سرمایه داران و کارفرمایان قرار گرفته است. (۱)

حقیقت این است که تعیین نرخ نیروی کار توسط کسانی تعیین می شود که خود استثمارگرند و حرمت و کرامت انسانی توده کارگر و اقشار زحمتکش جامعه را به سخره گرفته اند. برای اینها انسان و مقام انسان هیچ ارزشی ندارد. آن چیزی که برای این غارتگران ارزشمند است، فقط کسب سود اضافه و بهره بیشتر است و برای رسیدن به این خواستشان از تمامی امکانات ضد کارگری و ضد بشری خودشان استفاده می کنند. شورای عالی کار در بهترین حالت، یکی از این امکانات ضد کارگری و در خدمت سرمایه است.

هنری که طبقه سرمایه دار ایران به کمک رژیم محافظش انجام داده، این است که بدون در نظر گرفتن حفظ انرژی و توانائی کار، مسئولیت معیشت کارگران را به خود آنها واگذار کرده و در قبال آن حداقل دستمزدی را برایش تعیین کرده است. در بازار سرمایه، کارگر تنها کالای خود را که نیروی کارش است، می فروشد و در قبال آن مزد دریافت می کند. اما بر اساس تعاریف قانون کار رژیم اسلامی سرمایه، و با توجه به طبقه بندی کردن مشاغل، دستمزدهای جداگانه ای در نظر گرفته شده است، فارغ از اینکه آیا دستمزد فقط شامل پول خالص است یا اینکه هزینه رفت و آمد، ایاب و ذهاب، بیمه و غیره را نیز شامل می شود؟! واضح است که در بازار سرمایه ایران، کارگر به عنوان تنها مالک نیروی کار، اختیار قیمت گذاری روی کالایش را ندارد و زیر سایه سیاه اختناق موجود و سرکوب جنبش طبقه کارگر، این شرایط به طبقه کارگر ایران تحمیل شده است. کارگران و به ویژه فعالین کارگری به وضوح آگاهند که اقتصاد جمهوری اسلامی در خدمت تامین نیازهای سیاسی، انتقال ثروت و مراکز کاری به سپاه پاسداران و سرانجام در خدمت حفظ بقای رژیم است از این رو مبارزه برای دستمزد "مکفی" صرفاً یک مبارزه معیشتی نیست بلکه یک مبارزه سیاسی و طبقاتی نیز هست.

### حداقل دستمزد کارگران

#### و انباشت جیب دلان و رانت خواران

پر واضح است که سرمایه داری در کشورهای دیگر نظیر چین، قادر شده است که دهها میلیون کارگر را با دستمزدهای بخور و نمیر و در محیطهای ناامن و وحشتناک چنان استثمار کند که کالاهای بسیار ارزانی به بازار عرضه بنمایند. این کالاهای بُجَل در

تمام دنیا دروازه های کشورهای را گشوده، تولیدات داخلی را دچار شکست و یارکود نموده و با انباشتن جیب دلان و رانت خواران باعث خانه خرابی کارگران شده اند. به این اعتبار نقش سرمایه داران چینی در به نابودی و یا به رکود کشاندن تولید در ایران ریشه در مناسبات اقتصادی حاکم بر دنیا دارد، اما جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم خدمتگزار سرمایه، عامل تشدید این مشقت هاست.

بر اساس آمار منتشره، در دو سال گذشته بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار کالاهای بی کیفیت و ارزان نظیر پارچه، لباس، منسوجات و یا کفش و غیره به ایران صادر شده که همه اینها را می توان با کیفیت بهتری در داخل تولید کرد. طبیعی است که با سیاست ها و شیوه کارهای درست از شدت این مصائب کاسته می شود، اما جمهوری اسلامی جهت حفظ منافع سرمایه دارها هرگز چنین نخواهد کرد. این رژیم به دلیل بافت سیاسی و ایدئولوژیکش در دنیای سرمایه داری منزوی افتاده و برای حفظ موقعیتش در منطقه و عرصه بین المللی، به برخی کشورها و بعضی نیروها باج می دهد. این باج دهی در مورد کشور سوریه و یا نیروهائی در لبنان، فلسطین، عراق، افغانستان و یمن شناخته شده است. اما در مورد کشورهای دیگری مثل چین و روسیه این موضوع ممکن است پوشیده تر و لاجرم شناختش کمی مشکل تر باشد.

این امر آشکاری است که جمهوری اسلامی به پشتیبانی دو کشور چین و روسیه به دلیل موقعیت سیاسی و اقتصادی شان در دنیا و نیز به دلیل این که آن ها در شورای امنیت سازمان ملل دارای حق وتو هستند به شدت نیاز دارد. آن ها نیز به نسبت منافع خود با جمهوری اسلامی روابط سیاسی و اقتصادی برقرار کرده و همچون کارت بازی در عرصه بین المللی از آن سوء استفاده می کنند. در میان این دو کشور چین به دلیل نیازش به نفت و گاز و نیز احتیاجش به استفاده از موقعیت ژئوپولیتیک ایران روابط ویژه ای با جمهوری اسلامی دارد. این کشور ۴۰ میلیارد دلار در صنعت نفت و گاز ایران سرمایه گذاری کرده و قرار است به زودی آن را به ۴۸ میلیارد دلار افزایش دهد. همان طور که گفته شد در یکی دو سال گذشته چین ۳۰ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده و در مقابل فقط ۱۰ میلیارد دلار نفت و کالاهای دیگر از ایران خریداری کرده است. با این حال رژیم ناچار است به قیمت داغان کردن تولید در برخی عرصه ها و بیکار کردن صدها هزار کارگر، درهای بازار کنونی را به روی سرمایه داران چین کاملاً باز بگذارد. موضوع دیگر این که؛ وارد کنندگان کالاهای چینی عمدتاً عضو و یا وابسته به سپاه پاسداران هستند که دهها اسکله و فرودگاه در اختیار دارند و کالاهای وارد شده از پرداخت مالیات معافند و نظارتی روی آنها صورت نمی گیرد.

در پرتو این سیاست ضد کارگری، نان آور یک خانواده چهار نفره برای تامین نیازهای مبرم روزانه ناچار است چندین برابر بیشتر از دستمزدی که برایش تعیین شده است، کار کند و تن به اضافه

کاری دهد. کودکان زیر ۱۸ سال هم به جای شکوفائی استعداد هایشان، ناچارند در خیابان ها و پارک های شهرهای تهران و تبریز و سنج و غیره به واکسی و دست فروشی مشغول شوند و انسان های زیادی برای این که از گرسنگی تلف نشوند، تن فروشی کنند. در جامعه ای که سرمایه حکمرانی می کند و یک دیکتاتوری سیاه مذهبی با جنگ و دندان از آن محافظت می کند، راهی جز متحد شدن برای توده کارگر برای تحمیل و بیان خواست ها و مطالبات خود، وجود ندارد. طبقه کارگر ایران بدون توهم به هیچ یک از ارگانهای دولتی، نیازمند است تا با ایجاد تشکلهای خود ساخته و با اراده و توان خود، به جنگ سرمایه برود و از این طریق خواست ها و مطالبات خود را بر کرسی بنشاند. کما اینکه ما کم و بیش شاهد چنین حرکت های ارزشمندی هستیم.

شرایط سیاسی فعلی در ایران طیف وسیعی از نیروی کار ایران را به میدان مبارزه کشانده و همین روند مبارزه، توده کارگر را به در پیش گرفتن روش های رادیکال تری در مبارزه سوق می دهد. هر چند که طبقه کارگر همیشه زیر تیغ سرنیزه و خفگان و بگیر و ببند های همیشگی رژیم اسلامی نتوانسته تمام ظرفیت های طبقاتی خود را نشان دهد، اما با این وصف ما همیشه شاهد مبارزات، اعتراضات و اعتصابات کارگری بوده ایم که بعضاً به خاطر افزایش دستمزد و بعضاً به خاطر پرداخت حقوق معوقه بوده است. از دیگر سو، کارگران و فعالین کارگری با برگزاری مراسم های اول ماه مه همیشه رژیم را به چالش کشانده اند و در قطعنامه هایشان خواستار یک زندگی مرفه و انسانی و به طور قطع خواستار افزایش دستمزد شده اند. فعالین کارگری همچنان که ماهیت خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و ضد کارگری بودن اینها را افشا کردند ماهیت ضد کارگری بودن شورای عالی کار را نیز افشا کردند و خواستار لغو سه جانبه گرایی شده اند. (۲) رژیم اسلامی سرمایه و شورای عالی کارش، تنها زمانی به خواست ها و مطالبات کارگران، توجه خواهند کرد که زیر فشار شدید قرار بگیرند. کارگران به خوبی واقفند که مبارزه با کلیت نظام سرمایه داری یک نیاز روزانه ای آنهاست، اما در همان حال مبارزه با رژیم، سیاست های ارگان های مختلف و عملکرد کارفرمایان نیز به طور روزانه لازم است. مجموعه ای این فعالیتها میتواند امکان تحقق مطالبات حداقل کارگران را ممکن کند. واقعیت این است که تلاشها و مبارزات روزانه کارگران وقتی تأثیرات کامل خود را خواهد بخشید که کارگران بیکار و شاغل، تشکلهای مستقل و خود ساخته خود را ایجاد کنند و به مبارزات خود انسجام بخشند.

(۱) نگاه کنید به: تعیین حداقل دستمزد در مصاحبه ای با محمود صالحی

(۲) برای نمونه نگاه کنید به: بیانیه تشکل های مستقل جنبش کارگری در مورد حداقل دستمزد ها در سال ۸۹ (مندرج در سایت کمیته هماهنگی)

اسفند ۱۳۹۰



رشید رزاقی

## کارگران مسئول برکناری رژیم فاسد اسلامی در ایران

که با وزیدن اولین امواج خروش اجتماعی محکوم به فرود در قعر نیستی هستند!

در دموکراسی رایج بورژوازی از انتخابات بمنزله ابزار و معیار و محک برای سنجش عملکرد دولت ها و یا نهادها و گروه های گوناگون اجتماعی با گرایشات و دیدگاه های متفاوت نام می برند. خاصیت و کاربرد چنین ابزاری آنست که درجه اعتبار و اعتماد عمومی ابزار و یا سلب می گردد. که در پی آمد آن جایگاه و موقعیت جدیدی برای گروه منتخب و مورد نظر حاصل می شود. با توجه به نحوه سازماندهی انتخابات و مهندسی آراء انتخاباتی در جمهوری اسلامی، از این ابزار به مثابه مصالح و ملات تحکیم ستون های اسلامیت نظام استفاده می شود تا تأییدیه ازلی و غیر قابل تغییر سیستم را از رأی دهندگان اخذ و تجدید نماید. بر خلاف نیت بانیان و مدافعان این سیستم حکومتی و با توجه به تجربه سی دور انتخابات گوناگون در جمهوری اسلامی آشکار و عیان شده است که پس از هر دور انتخابات از لحیم مواد این ملات کاسته شده و استحکام و مشروعیت ساختار اسلامیت بر اسکلتی لرزان و متزلزل تر از پیش قرار گرفته است. تا جائیکه مردم از توهم مذهبی نسبت به نظام عبور کرده و ماهیت زندگی دروغین جهان پس از مرگ را به سخره می گیرند و مفهوم زندگی مادی و فضیلت بهره گیری از نعمات دنیوی برای آنها ملموس و واجب گشته است.

جمهوری اسلامی با تکیه بر رکن اسلامیت نظام، خود را نسبت به هر گونه پرسش و بازخواست و بازنگری و گرایش به دگرگونی مصون از جوابگویی و ملتزم به تغییر و تحول نمی داند. او اعتراض و ناراضی نسبت به نابسامانی های اجتماعی، بیعدالتی در توزیع امکانات مادی و فساد دستگاههای اداری و حکومتی را ناشی از عدم ادراک مبانی اسلامی توسط شهروندان تلقی می کند. بهمین منظور خامنه ای اگر هر از چند گاهی بر منبر می نشیند و ادعاهای مطرح شده را زیر و رو می کند، دقیقاً بمنظور توجیه و تفهیم قضایا از زاویه اسلامی است تا بزعم خود کذب آنها را اثبات و خلاف آنها را به باور مردم تبدیل و یا انصراف از حق را به مردم تحمیل کند.

از آنجائیکه ابزار انتخابات در جمهوری اسلامی ناکارآمد و غیر شفاف است و ابزار مناسبی برای بیان افکار عمومی به شمار نمی رود! و مجلس نهادی فاقد اراده، و التزامی به حقوق طبقات محروم اجتماعی ندارد. و نیز در بطن خفقان اجتماعی زایش ابزارهای دمکراتیک دیگری برای وادار کردن حکومت به در پیش گرفتن روندی متعهدانه و مسئولانه در قبال ضروریات و خواست های شهروندان مقدور نیست. چنین شرایطی طبقه کارگر ایران و همه مزد بگیران و زحمتکشان جامعه را بر سر دو راهی انتخاب در نوع

نشان دادند که این مردم خواست ها و مطالباتی دارند که حق تعیین سرنوشت خویش چه در زمینه اداره سرزمین و چه در زمینه توزیع عادلانه ثروت و پر کردن شکاف طبقات در سرلوحه اولویت های آنان قرار دارد. مردم کردستان با این حرکت یکپارچه و منسجم نشان دادند که برتری تناسب قدرت اجتماعی بر قدرت دولتی متکی بر خفقان و سرنیزه ممکن و تحقق یافتنی است. آنها با عزم و تجلی اراده خویش در تخطئه بازار انتخابات فرمایشی، مفهوم سلطه و سرنیزه را بنا به مصداق "سرنیزه برای همه چیز بکار می رود، مگر برای یک چیز، و آنهم روی سرنیزه نمی توان نشست!" به حکومت مذهب و سرمایه با روشنی تمام تفهیم کردند که نظام ستم الهی فاقد مشروعیت است و قلوب مردم ستمدیده، آکنده از نفرت نسبت به ولایتمداران مرتجعی است که بر روی پیکان نیزه قعود بسته اند.

مجلس شورای اسلامی که در برگرفته بخشی از به اصطلاح جمهوریت نظام است و براساس ارکان دموکراسی بورژوازی و عرف حکومت های موجود در غرب باید نهاد نمایندگی دخالت و نظارت مردم بر قوای حکومتی باشد دارای دو وجهه متضاد می باشد. تا آنجائیکه به کارکرد نمایندگی مردم و حفاظت از حقوق و منافع آنان ارتباط دارد، این نهاد بخاطر حفظ ارزش احکام و قانون انگاشته های شارع اصلی و اولیه دین نمی تواند در تدوین مصوبات و قوانین که متضمن و برآورد کننده توقعات و نیازهای مردم باشد اراده مستقل از خود بروز دهد و یا با اتکاء به نگرش های نهادهای مدنی و اجتماعی و صنفی برنامه ریزی های خاص و معینی را در حیطه وظایف نیابت و وکالت خویش بگنجاند. بهمین لحاظ در رویکردی مردمی، یک نهاد بی خاصیت و فاقد اقتدار و آلت دست قدرت مطلقه ولایت فقیه است. اما رویکرد حکومتی آن با ارزش، فریبا و اغواء کننده است و با اتکا بر این خصوصیات است که ولایت فقیه و نهادهای مربوط به آن مشروعیت خود را باز نمایی می کنند. اگر مصطفی محمد نجار وزیر کشور رقم مشارکت رأی دهندگان در چنین انتخاباتی را که نتایج آن برای عموم مردم ایران و حتی افکار عمومی جهانی "آظهر من الشمس" است، ۶۴ در صد اعلام می دارد! بدان سبب است تا به یمن ابزار انتخاباتی و مجلسی که به مثابه بازوی عملیاتی رهبر شکل می گیرد، دریای قدرتی را هرچند که طوفان زا باشد برای استحکام موقعیت ولایت و شایسته مندی البت اسلامی و حکمرانان نو گرویده "مهور التارک" ترسیم و تدارک ببیند. غافل از آنکه با وضع موجود کشور و فاصله و شکافی که بین مردم و حکومت ایجاد شده است خامنه ای و همراهان ولایتش نه سکان داران و کشتی بانان حاذق بر این دریای طوفانی قدرت، بلکه "جهل مرکبی" هستند که بر "پوست گردو" نشسته و در ورطه بحران های رو به تزیاید گرفتار!

انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی ایران متکی بر دو زاویه عینی و تصویر پردازی، اولی منطبق با پیش بینی اپوزیسیون سرنگون طلب و دیگری به روال معمول تقلب مهندسی شده آراء، بطور دقیق و با وقاحت بسیار در روز دوازده اسفند ماه سال جاری برگزار گردید. واقعیت قابل رؤیت در پیش روی افکار عمومی ایران و گزارشات منعکس شده توسط رسانه های خارجی بگونه ای صریح و انکار ناپذیر حاکی از سوت و بی رمق بودن انتخابات بود. خبرگزاری آلمان در گزارش مبسوطی بنا بر مشاهدات گزارشگر خود، وجود هر گونه صف طولانی و ازدحام جمعیت در حوزه های رأی گیری را ادعای باطل قلمداد کرد. و دیگر خبرگزاری ها نیز با اشاره به تردید در سالم بودن انتخابات میزان مشارکت مردمی را اندک و مغایر با آمار اعلام شده توسط ستاد انتخاباتی عنوان نمودند.

افشاری های کاندیداهایی که حائز اکثریت آراء نگردیدند و یا پیرویشان در خریطه مهندسان انتخاباتی منظور نشده بود پیچش ترندها را بیشتر عریان نمود و به حقایق رونما شده در سی دوره انتخابات تاکنون انجام شده جمهوری اسلامی آب تأکید دگر باره پاشید. کاندیداتور رباط کریم از مشارکت ۱۲۰ در صدی مردم خبر می دهد در حالیکه هنوز پنجاه در صد آراء در صندوق ها قرائت نشده بود. یا کاندیدای گرمسار از خلوت بودن حوزه های اخذ رأی تا ساعت چهار بعد از ظهر و به حراج گذاشتن رأی ها از این زمان به بعد شکوایه سر می دهد. احمدی نژاد در حوزه مسجد مظهری واقع در دروازه قزوین رأی خود را به صندوق انداخت. اما بدلیل نبود "صف دشمن شکنانه" و عاری از "خس و خاشاک" در حوزه های رأی گیری حاضر به مصاحبه تلویزیونی با رسانه های دولتی نشد و از سر تأثیر مدیحه سرایی برای مشروعیت نظام را به قدر شناسی هم موطنی های زادگاهش سپرد که لقاء خواهرش را برای نمایندگی به بقایش بخشیده بودند.

نتایج آراء تهران به همانگونه که بر آورد و تخمین زده می شد برای سلطه گران اسلامی مایوس کننده و تکان دهنده بود و خط و گونیی طراحی های رژیم برای مشارکت حد اکثری مردم از زاویه های نصب شده فرا افتاد. به گونه ای که برای سی کرسی نمایندگی تنها پنج نفر به حد نصاب کسب ۲۵ در صد آراء دست یافتند و رقابت بقیه "مؤمنان مهربان" به دور دوم انتخابات کشیده شد.

بایکوت انتخابات توسط مردم متحد و یکپارچه کردستان تصاویر جدی تر و عزم راسخ تری از حضور مردم این خطه در اعتصابات عمومی سالهای ۸۴ و ۸۹ را برای ابزار نگرش، ارزش ها و باورهای خود آویزه پیکر نامشروع جمهوری اسلامی نمود. مردم کردستان با خالی گذاشتن صندوق های رأی

اسلامیون در پوشش اعتراض و ابراز نارضایتی به پیشبرد امور اجتماعی و شکل دهی به زندگی مادی خود توسط مناسبات نا عادلانه سرمایه‌داری در صف مبارزه جای داشته‌اند. مبارزات آنها طی این سالیان با شدیدترین وجه و با بی رحمی و قساوت سرکوب شده، اما از پای در نیامده و با افت و خیزهای ناگزیری همچنان با قامت استوار ایستادگی و مقاومت می‌کند. کارگران با اتکا به قانون حرکت تاریخی جامعه که مبین جایجایی نیروهای متضاد اجتماعی در مکانیسم قدرت است صف خود را با وجود محدودیت‌ها فشرده می‌کنند و عزم بر آن دارند وظیفه تاریخی خود را به سرانجام برسانند. امروزه اگرچه سرمایه‌داران ایران همانند سرمایه‌داران دیگر ممالک بورژوازی، دید برده‌وری نسبت به کارگران دارند و به سبب مالکیت ابزار تولید و تحت مناسباتی نا مشروع از خود بیگانگی نسبت به محصول کار و دسترنج را به کارگران تحمیل و آنان را از تصاحب ثمره کار خود محروم می‌سازند. اما آگاهی کارگران نسبت به فلسفه وجودی جامعه موجود چنین حکم می‌دهد که آنان بعنوان نیروی مولد و خالق کالا و محصولات اجتماعی مالک اصلی ثروت و سامان ملی و ابزارهای تولید اجتماعی هستند. بهمین دلیل بیشتر از هر نیروی اجتماعی فعال و موجود در عرصه حیات سیاسی ایران نسبت به عملکرد طبقاتی و غیرانسانی رژیم و دست و دلبازی یغماگران در چپاول ثروت‌های همگانی و عمومی حساس و مسؤول می‌داند. طبقه کارگر به خوبی می‌داند با انتخابات و سیستم نیابتی و نمایندگی مجلس و آنها منطبق با فرمول‌های جمهوری اسلامی هیچ اصلاحات و تحولاتی متحقق و انجام پذیر نیست. لذا در قبال مسئولیتی که نسبت به موجودیت کشور و آینده آن و سرنوشت نوباوگان و طبقات محروم دارد خود را موظف می‌داند که راه دشوار انقلاب علیه نظام حاکم را به پیماید. کارگران ایران به ضعف‌های خود در هموار کردن مسیر انقلاب که آگانه و به جبر نیروی امنیتی و سرکوب بر آنها تحمیل شده است واقف‌اند. اگر فعالان کارگری هم تلاش خود را برای برپایی تشکلات کارگری و متشکل و متحد کردن گرایش‌ها و گوناگون کارگری و سازماندهی اعتصابات سراسری مبدول می‌دارند بجهت باورمندی به میزان آگاهی‌پذیری کارگران در بطن این تحرکات برای آماده شدن در رویارویی‌های سرنوشت ساز است. طبقه کارگر ایران که چشم امید به نیروی رهایی بخش خود دارد و توهمی به آسمان و نیروی امداد غربی‌ها ندارد. به منزله تنها آلترناتیو ممکن و حقوقمند عرصه سیاست ایران، با انقلاب کارگری رسالت و مسئولیت خود را در برکناری نظام فاسد و واپس‌گرای موجود اعمال و ابرهای تیره نکبت و جهل و فقر را از آسمان ایران خواهد زدود.

چنین نموداری، برای نمونه این خواهد بود: که یک جایجایی در رده بندی اقتصاد ایران و ترکیه در سطح جهانی بوجود آمده که ایران از پله سیزدهم به رده بیست و هفتم سقوط کرده و ترکیه برعکس از رده بیست و هفتم به پله سیزدهم صعود کرده است.

اگر اقتصاد جمهوری اسلامی بر همین پاشنه بچرخد! با توجه به رشد فزاینده فساد مالی در دستگاه حکومتی که به گزارش سازمان شفاف سازی بین‌المللی که از میان ۱۸۰ کشور در ردیف یکصد و بیستم کشورهای بسیار فاسد جهان قرار دارد باید منتظر پس روی و فرو رفت بیشتری در زمینه اقتصاد، و گسترش تنگناهای معیشتی بود و ظهور افق ناروشن و آینده یأس آلودتری را برای آینده و نسل جوانان پیش بینی نمود.

در چنین اوضاع حاد و بحرانی که نا کارآمدی حکومت آشکار و ضعف مدیریت وی نمایان و از هر سوی زانو صفتانی چون سپاه پاسداران و بسیج و ارگانهای امنیتی و دیگر نهادهای وابسته بر پیکر تجارت و اقتصاد و دیگر منابع ملی چنگ انداخته تا هزینه حراست از رژیم آخوندی را با فرصت طلبی تمام برداشت نمایند! پرسش قابل طرح اینست به چه شیوه یا توسط چه کسان و گروه‌هایی مجرای یغماگری را باید مسدود و دست متعديان را کوتاه نمود.

نگاه اجمالی به موضع نیروهای اجتماعی و طیف‌های مختلف اپوزیسیون رژیم یاری دهنده شناخت و شناسایی عوامل راستین و دگرگون کننده خواهد بود. طیف اصلاح طلبان حکومتی که در بستر جناح بندی‌های جدید پیش می‌رود، در کلیت خود به آشتی با حاکمیت و یا کسب سهم حکومتی و تغییر شیوه مدیریتی و بازنگری در سیاست خارجی چشم دوخته و هیچ برنامه اقتصادی و راهکارسازنده‌ای که متضمن برون رفت از تنگناهای اقتصادی و اجتماعی موجود باشد ندارند. "جنبش سبز" بدلیل فقدان برنامه و تئوری مبارزه، از بنیان و پایه جنبش عینی و مادی بی بهره و در چهارچوب یک حرکت غرولند کننده علیه حاکمیت دست و پا می‌زند. لذا از این امامزاده معجزه‌ای به نفع توده‌های محروم رخ نمی‌دهد. طیف‌های مختلف لیبرال از سکولار و مذهبی و چپ که دست نذر و نیاز به سوی دخالت نظامی غرب بلند کرده‌اند تا بر کرسی صدارت تکیه‌زنند! فراتر از برنامه‌های مورد توصیه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و رؤیای ادغام در بازار تجارت جهانی، یعنی در جازدن در جای پای جمهوری اسلامی، چیزی در چپته ندارند تا در مقام جوابگویی به نیازها و مطالبات توده‌های کارگر و زحمتکش برآیند. در واقع شکل و شمایل حکومت آنها قالب و قواره جمهوری اسلامی است با همان کارکرد، منهای ولایت فقیه و خیل آخوندها. کارگران بعنوان جدی‌ترین طبقه اجتماعی مدافع و محرک دگرگونی‌های بنیادی و انقلابی، طی حاکمیت

برخورد قرار می‌دهد. یا اینکه این طبقه که صاحب واقعی سامانه‌های کشور است به وضعیت بحرانی موجود که عرصه اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی کشور را فرا گرفته و می‌رود که آنرا به ورطه فلاکت و اضمحلال نشانند، واکنش نجات بخش و تعیین کننده نشان دهد. یا سکوت اختیار کند و کشور بر همین سیاق پیش رود! تا که فضای امنیتی، روزگار سخت، فقر بیشتر، بیکاری، تورم و گرانی، فساد اجتماعی و اخلاقی، اعتیاد و تن فروشی، اکثریت آحاد جامعه را از پا در آورد. و همچنان عرصه برای چپاول ثروت ملی و غارت مایملک شهروندان زحمتکش و رونق بازار قاچاق مواد مخدر توسط فرماندهان سپاه پاسداران و اختلاس و ارتشاء وزیران و دست اندرکاران رژیم خالی و بدون محافظ بماند.

هم اکنون رژیم تحریم اقتصادی غرب را علیرغم هو و جنجال‌های گذشته که آن را بی تأثیر معرفی می‌کرد مستمسک قرار داده و برنامه ریزی برای ترمیم ضایعات و تخریب‌های ناشی از سیاست گذارهای نادرست خویش را نادیده می‌گیرد. بطور مثال سیاست تورم‌زا و گرانی بخش هدفمندی یارانه‌ها نه تنها کمکی به ارتقاء سطح درآمد خانوارها نکرد و اقلام چندی از مواد ضروری را از سبد احتیاجات آنان حذف کرد! بلکه رکود فعالیت درصدها مراکز تولید و صنعت و به تبع آن اشتغال و بیکاری کارگران به‌مراه آورد. وخامت صنعت به جایی رسیده است که عسکر اولادی رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین از بروز فحطی در صنایع طی شش ماه آینده خبر می‌دهد. سیاست نوسان ارزی و بی ارزش کردن بهای پول ملی گذشته از سوءاستفاده‌های میلیاردی وابستگان و نزدیکان دم و دستگاه حکومت، تورم ۴۰ درصدی را به بار آورده است که نه تنها بهای اجناس افزایش یافته، بلکه ارزش ذخیره و پس انداز‌های مردم یک شبه ۴۰ درصد کاهش یافت و به جیب دولت که تنها عرضه کننده منحصر به فرد ارز به بازار است سرازیر گردید. در اثر اعمال سیاست‌های بدون حساب و کتاب حکومت، زندگی توده‌های زحمتکش نه تنها در منگنه قیمت‌ها به سطح نازلتری از کیفیت سقوط کرده است. بلکه رشد اقتصادی بر مدار رشد منفی می‌چرخد و طراز رشد تولید ناخالص کشور در تعادل و ظرفیت ناموزن با جمعیت قرار دارد. مقایسه ساده ارقام بما نشان می‌دهد طی دوران زمامداری نمایندگان امام زمان سطح زندگی مردم بطور متوسط نسبت به قبل از انقلاب ۳۰ درصد فروکش نموده و در حالیکه جمعیت دو برابر شده تولید ملی کمتر از ضریب معمول رشد داشته است.

تولید ملی در آستانه انقلاب بهمن ۸۹ میلیارد دلار بود در حالیکه در سال ۲۰۰۸ به جای رشد دو برابر متناسب با جمعیت به رقم ۱۱۶ میلیارد دلار رسیده است، یعنی معادل ۴۰ درصد گذشته. زبان گویای





## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بمناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن (۲۰۱۲)

بر اساس نیازهایشان رشد دهند و به کار اندازند. زن برای فعالیت، هر زمینه ای را که با خواسته ها و علایق و استعدادهایش مطابقت داشته باشد، بر می گزیند و از نظر کاری در شرایطی مشابه با مردان قرار دارد. وضعیت زنان در عرصه کارهای عملی و حرفه ای هم همینگونه است. زن در ساعت هایی از روز، مربی، معلم و پرستار است. در ساعاتی دیگر هنر را تجربه می کند و یا به کار عملی می پردازد، و در بخشی از روز تحقیق می کند، از فراغت و شادی ها لذت می برد. در سوسیالیسم زن در انتخاب عشق، مثل مرد آزاد است و مانعی برایش وجود ندارد، یا خودش پیشنهاد ازدواج می دهد و یا پیشنهاد ازدواج را بدون توجه به هیچ قید و بند و محظوری سوی تمایل خویش می پذیرد.

اما مطرح شدن آلترناتیو سوسیالیستی بعنوان یک راه حل عملی و در دسترس جهت پایان دادن به این بحران ویرانگر اقتصادی و پایان دادن به تمامی ستم ها و مصائب نظام سرمایه داری و از جمله ستمگری علیه زنان در گرو آن است که طبقه کارگر بطور سازمان یافته و متشکل پا به میدان جدال های سیاسی بگذارد. دشواری بدیل سوسیالیستی برای پایان دادن به این بحران در موانعی است که سر راه سازمانیابی و به میدان آمدن کارگران بعنوان یک طبقه اجتماعی قرار گرفته است. طبقه کارگر و زنان کارگر بعنوان نیمی از این طبقه برای نیل به این هدف ضروری است که در تشکل های توده ای و طبقاتی خودشان متشکل شوند. زنان و مردان کارگر و در درجه اول فعالین، پیشروان و رهبران جنبش کارگری باید در حزب کمونیستی شایسته خودشان سازمان یابند.

در شرایطی که نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوازی با پشتیبانی قدرتهای امپریالیستی همگی با ترساندن مردم از انقلاب، خواهان نوعی از جابجائی رژیم هستند که دستگاه سرکوب رژیم را دست نخورده باقی بگذارند و مناسبات سرمایه داری را از تعرض انقلاب مصون بدارند. طبقه کارگر برای حضور قدرتمند در صحنه سیاسی ایران، برای به شکست کشاندن این تلاشها و برای جلوگیری از به بیراهه بردن مبارزات مردم، به حزب سیاسی و طبقاتی خودش نیاز حیاتی دارد.

برگزاری مراسم و آکسیونهای ۸ مارس در ایران طی سه دهه گذشته در همانحال که یکی از سنت های مبارزه کارگری، سوسیالیستی و آزادیخواهانه را زنده نگاه داشته است، یکی از جلوه های تداوم جنبش رهائی زنان علیه دیکتاتوری زن ستیز جمهوری سرمایه اسلامی نیز بوده است. فعالین و پیشروان رادیکال و سوسیالیست جنبش زنان و جنبش کارگری لازم و ضروری است که دست در دست هم دهند و برای هر چه با شکوه تر برگزار کردن مراسم و آکسیون های ۸ مارس متحدانه عمل کنند.

در اوضاع سیاسی کنونی و در شرایطی که جدال و کشمکش رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا و دیگر قدرتهای غربی بر سر برنامه هسته ای رژیم، مردم ایران را در معرض تهدیدات جنگی و گسترش تحریم های بین المللی و تشدید فقر و فلاکت اقتصادی قرار داده است، ۸ مارس فرصتی است که جنبش زنان بانگ رسای بشریت عدالتخواه علیه سیاستهای ضد انسانی و ارتجاعی هر دو طرف این منازعه را به گوش جهانیان برساند.

۸ مارس روز همبستگی جهانی زنان و مردان آزادیخواه علیه آپارتاید جنسی را با تلاش هر چه گسترده تر برای برگزاری باشکوه مراسمهای این روز و تلاش برای ایجاد پیوند گسترده تر جنبش زنان با جنبش کارگری گرامی بداریم!

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن  
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری  
زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران  
اسفند ۱۳۹۰ مارس ۲۰۱۲

امسال در شرایطی به ۸ مارس روز جهانی زن نزدیک می شویم که بحران سرمایه داری ایران با تشدید و گسترش دامنه تحریم ها ابعاد تازه ای پیدا کرده است. تداوم و تعمیق این بحران بسیاری از رشته های تولیدی را نیز با رکود روبرو کرده است. تعطیلی، ورشکستگی و یا پایین آمدن ظرفیت تولیدی مراکز صنعتی، افزایش روزانه خیل بیکاران را به دنبال داشته است، بطوریکه بنا به اعتراف خود کارگزاران رژیم جمعیت بیکاران در ایران به ۸ میلیون نفر رسیده است. گسترش بیکاری، سیر صعودی قیمت مایحتاج روزانه زندگی، دستمزدهای سه مرتبه پایین تر از خط فقر اوضاع فلاکتباری را به طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه تحمیل کرده است.

اما تأثیرات پیامدهای این بحران بر کار و زندگی زنان کارگر و زحمتکش بسیار دهشتناک تر است. بر اساس آمارهای رسمی و بر مبنای معیارهای خود رژیم اسلامی نرخ بیکاری زنان ۴۵ درصد و در برخی از استان ها ۵۰ درصد اعلام شده است. این بخش از زنان در معرض انواع آسیب های اجتماعی قرار دارند.

تازه بسیاری از زنانی که به کار اشتغال دارند با تقبل شرایطی اسفناک در کارگاه های کوچک تولیدی کار می کنند. آنها از شمول قانون کار خارج هستند و دستمزد بسیار کمتری از هماتایان مرد خود و پایین تر از حداقل دستمزد تعیین شده دریافت می کنند. بخشی دیگر از زنان کارگر در صنعت خانگی به کار هایی مانند بسته بندی کردن مواد غذایی، میوه، سبزی و سر هم کردن قطعات الکتریکی و یا انجام دیگر کارهای مشابه اشتغال دارند. این زنان کارگر که شمارشان رو به افزایش است و در خانه های خود اجیر سرمایه داران می شوند، نازلترین دستمزدها را می گیرند و از هیچگونه مزایایی هم برخوردار نیستند. بخشی دیگر از زنان کارگر طعمه شرکت های پیمانکاری هستند. این زنان که از طرف پیمانکاران بکار گمارده می شوند، دستمزد شان بسیار ناچیز است و همواره پیمانکار قسمتی از دستمزد آنها را به جیب می زند. بخش وسیعی از زنان کارگر نیز در بخش کشاورزی به کار اشتغال دارند، که علیرغم شرایط سخت کار از هیچ مزایایی برخوردار نیستند. به همه اینها بردگان بی اجر و مزد کار خانگی را هم اضافه کنید. این خیل میلیونی زنان کارگر در تمام این بخشها در موقعیت فرودست تری از مردان کارگر قرار دارند، در برابر کار و تخصص مشابه دستمزدها و مزایای بمراتب کمتری از مردان دریافت می کنند.

اما رژیم جمهوری اسلامی آپارتاید جنسی و تحقیر هر روزه زنان با اتکا به قوانین منتج از شرع اسلامی را چنان در سطح جامعه فراگیر و نهادینه کرده است که ستمگری مضاعف سرمایه داران علیه زنان کارگر در محیط های کار و تولید، را از انظار پنهان کرده است. در جامعه ای که، زن را نیمه مرد بحساب می آورد، زنان را از ابتدائی ترین حقوق فردی و اجتماعی محروم میکنند و واقع سلب هویت انسانی نیمی از جامعه مطابق قانون به نرم رایج تبدیل می کند، اعمال ستمگری مضاعف بر زنان کارگر امری عادی جلوه گر می شود. این در حالی است که به میدان آمدن این خیل عظیم زنان کارگر و زحمتکش حول خواسته های اقتصادی و رفاهی و طغیان آنان علیه بی حقوقی زنان است که پیشروی جنبش زنان را تضمین می کند.

در شرایط کنونی آن گرایشی قادر خواهد بود این خیل عظیم زنان کارگر را به میدان آورد، که نه تنها خواسته ها و مطالبات اقتصادی و رفاهی آنان را بیان کند بلکه راه دستیابی به این خواسته ها و راه دست بردن به ریشه های مادی و اقتصادی ستمکشی و نابرابری زنان را نشان دهد. تحقق این خواسته ها و برابری اقتصادی و تأمین زمینه های مادی رشد و شکوفائی استعداد و خلاقیت زنان و گام نهادن در جهت تأمین برابری واقعی در گرو تقویت آلترناتیو سوسیالیستی است. "زن در جامعه سوسیالیستی از نظر اقتصادی کاملاً مستقل خواهد بود و در معرض هیچگونه تبعیضی قرار ندارد. او در برابر مرد، بعنوان یک انسان آزاده و هم طراز قرار دارد و بر سرنوشت خود مسلط است. زنان در سوسیالیسم تحت شرایط طبیعی زندگی، می توانند نیروهای روانی و فکری و استعدادهایشان را



صدیقه محمدی

# افق جنبش زنان!



هزاران سال از استقرار حاکمیت طبقاتی بر

جوامع بشری می گذرد، اعمال تبعیض بر زنان و جنس دوم به حساب آوردن آنان با تقسیم کار در جوامع ابتدائی شکل گرفت و با توسعه شیوه تولید فتودالی بنیان فرهنگ مردسالاری، شالوده تقسیم بشریت را، به دو جنس کاملاً نابرابر فراهم نمود. در نتیجه انقلاب صنعتی و رشد ابزار تولید و فراهم شدن زمینه تغییر مناسبات شیوه تولید فتودالی به شیوه تولید سرمایه داری، ملزومات پیدایش دو طبقه جدید را در نظام حاکمیت طبقاتی جهان فراهم کرد. این طبقات جدید، سرمایه داران و کارگران بودند.

نظام تولید سرمایه داری بدلیل احتیاج روزافزون به نیروی کار ناچار شد، در تقسیم کار متداول تا آن زمان تغییراتی بوجود آورد و مجوز شرکت زنان را در کارهای تولیدی صادر کند و بدین صورت بخشی از نیمه بشریت یعنی زنان که تا آن زمان تولید کنندگان بی جیره و مواجب حاکمان برده دار و فتودال بودند، به زنان کارگر در جامعه سرمایه داری تبدیل شدند.

نظام تولید سرمایه داری، در واقع، میراث خوار، تمام فرهنگ و سنن شیوه تولید فتودالی بود. شیوه مناسبات تولید سرمایه داری اگر از یکسو موجب شد، زنان از کنج خانه در آیند و هم سرنوشت طبقه نوپای جامعه یعنی طبقه کارگر شوند و به برده سرمایه تبدیل گردند، اما از سوی دیگر با حراست از بقاء فرهنگ مردسالاری و نظام آپارتاید جنسی و تشدید متناوب نابرابری ها، تلاش می کند، به صف متحد و یکپارچه کارگران و زحمتکشان لطمه بزند و از این نابرابری در جهت دامن زدن به تفرقه در میان کارگران زن و مرد، مانع اتحاد و اتفاق آنان شود.

بنابراین باتوجه به ویژگیهای کاملاً متناقض شیوه تولید سرمایه داری و توازن قوای طبقاتی در این نظام و خصلت و ویژگی حقوق زنان (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی)، بخش وسیعی از حقوق پایمال شده زنان در مناسبات حاکم سرمایه داری قابل تحقق و دست یافتنی است، اما برابری کامل حقوق زن و مرد تنها با محو مالکیت خصوصی و استقرار شیوه تولید سوسیالیستی و حاکمیت طبقه کارگر ممکن است.

نقش فعالین جنبش کارگری در تأمین برابری زن و مرد و وظیفه طبقه کارگر و کمونیست ها!

سیر تحولات ناظر بر تساوی حقوق زن و مرد، از پیدایش اولین نطفه جنبش های آزادیخواهی و برابری طلبی در جوامع بشری تاکنون، این واقعیت را ثابت می کند که، رفع قطعی تبعیض جنسی با از بین بردن مالکیت خصوصی و سرمایه داری متحقق می شود. استنتاج عملی طبقه کارگر از این اصل

روشن و علمی هیچوقت این نبوده که تحقق خواست برابری و تلاش برای دستیابی به آن را به تحقق لغو مالکیت خصوصی و استقرار سوسیالیزم و حاکمیت طبقه کارگر موکول کند، بلکه طبقه کارگر، خواست برابری کامل حقوق زن و مرد را در جامعه سرمایه داری در دستور مبارزات زنان و مردان کارگر و همه انسانهای شرافتمند و آزادیخواه جامعه قرار داده و تحقق بخش های وسیعی از خواست برابری را با اتکاء به نیروی متحد آنان در جوامع سرمایه داری نیز قابل تحقق و امکانپذیر دانسته است.

تفاوت بسیار مهم کارگران کمونیست و لیبرال ها در شرح وظایف آنان، برای تأمین برابری، شاید کمتر بر سر مضمون این حقوق باشد، بلکه اساساً بر سر استراتژی و راههای تحقق آن است. بعنوان مثال در زمینه قوانین و مقررات اجتماعی، واقعیت این است که مقررات و قوانین سرمایه داری حاکم بر ایران در زمینه حقوق اجتماعی هیچگونه حقی برای زنان قائل نیست. از لحاظ مناسبات خانوادگی، زن حق طلاق و جدائی از مرد را ندارد. مرد حق دارد همزمان چهار زن در عقد دائم و به تعداد نامحدود زن با عقد موقت (صیغه) داشته باشد. زن به تنهایی خانواده محسوب نمی شود. زن اگر از خانه بیرون رانده شد، بی پناه، بی سرپرست و بدون خانه و کاشانه خواهد ماند. زن حق تکفل فرزندان را ندارد. اگر طلاق داده شود هیچ اختیاری نسبت به فرزندانش نخواهد داشت و هیچگونه حقی در سرپرستی آنها برای وی به رسمیت شناخته نمی شود. در اغلب موارد، در انتخاب همسر و شریک زندگی خود هم آزاد نیست. به لحاظ اجتماعی زن حق قضاوت ندارد، حق کاندیداتوری برای مقامات و پست های بالای حکومتی را ندارد. زن نصف مرد محسوب می شود. قوانین حاکم بر احوال شخصیه، زنان را کم عقل، ضعیفه و همانند سفیه قلمداد می کند.

لیبرال های جامعه سرمایه داری ایران اعم از آنهایی که در اپوزیسیون هستند و چه آنهایی که در حاکمیت شریک اند، اگر چه ممکن است از لحاظ مضمونی خواهان لغو و یا تغییر بخش یا بخش ها و حتی پاره ای از آنان خواهان لغو کامل این قوانین تبعیض آمیز باشند، اما استراتژی همه آنان برای لغو این قوانین، استراتژی مماشات، عدم توسل به انقلاب و از طریق اهرم های فشار از بالاست. گذشته از اینکه راه دستیابی به این بخش از مطالبات برابری طلبانه که اساساً به مطالبات حقوقی موصوف است، دو استراتژی و دو راه کاملاً متفاوت و جدا از هم است، تفاوت اساسی تر مطالبات زنان از منظر طبقه کارگر و بورژوازی لیبرال و اصلاح طلبان، در نادیده گرفتن بخش اقتصادی مطالبات برابری طلبانه زنان

است. آوردن مثالی در این رابطه می تواند ما را در روشن تر کردن وظایف کارگران در تحقق خواست برابری زنان و مردان بیشتر یاری دهد. امروز در جامعه سرمایه داری ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، کار خانگی مختص زنان است. سرمایه داری بدون پرداخت هیچگونه دستمزدی بطور مفت و مجانی از کارخانگی زنان استفاده می کند و بدین ترتیب علاوه بر کار در کارخانه و محیط های کار، در درون خانه نیز مجانی و بدون پرداخت هیچ مزدی زنان را استثمار می کند. کار خانگی اساس و پایه اقتصادی استثمار زنان است و میراث جامعه طبقاتی و در حال حاضر جامعه سرمایه داری است، که برای زنان بجا مانده است. کارخانگی، یک کار بی مزد و پاداش است. پرورش فرزندان، پخت و پز، لباس شستن و چندین کار سبک و سنگین دیگر که بعنوان کار خانگی و کار مخصوص زنان در جامعه سرمایه داری ایران رسمیت یافته و دولت سرمایه داری ایران بجای اینکه هزینه این کارها را در خارج از خانه و از جیب خود تأمین نماید، بدون پرداخت هیچ دستمزدی به زنان تحمیل نموده است. نظام سرمایه داری مردسالار جمهوری اسلامی، گذشته از اینکه دستمزدی بابت این کار به زنان پرداخت نمی کند، بلکه در عالم واقع بدین شیوه، مداما موجبات تفرقه، در میان مردان و زنان خانه دار را افزایش می دهد. مطابق فرهنگ مرد سالارانه رایج در جوامع سرمایه داری که، در شیوه سرمایه داری جمهوری اسلامی، در ظرفیت بالائی نهادینه شده است، مرد بعنوان نان آور خانه، همواره زن را به چشم یک خدمتکار می نگرد. با اتکاء به این فرهنگ، سرمایه داران، صف زن و مرد را در خانواده های کارگری از هم جدا می سازند و بخشی از نیروی این طبقه را از میدان مبارزه طبقاتی خارج می کنند و در عوض به خصومت بین زن و مرد تداوم می بخشند. این بخش از حیات مبارزه زنان که بطور واقعی حیات میلیون ها زن را در بر می گیرد بطور کامل از مطالبات لیبرال ها و اصلاح طلبان حذف گردیده و این تنها طبقه کارگر است که برابری زن و مرد را در چهارچوب برابری اقتصادی در مطالبات خود گنجانده و تلاش می کند، دستمزد کار خانگی زنان را از جیب سرمایه داران تأمین کند و زنان را از اسارت کار خانگی آزاد نماید.

آوردن این مثال چندین واقعیت را برای ما روشن می کند، که در نوع خود می تواند گره های کوری را که در زمینه سازمانیابی توده زنان وجود دارد بگشاید و ما بتوانیم این امیدواری را داشته باشیم که روزنه های تشکل پذیری زنان کارگر را در آینده ای نه چندان دور مشاهده نماییم.

اولین واقعیت این است که مسأله پیوند

## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

\* جهان امروز تنها مطالبی که

صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.

\* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

\* مسئولیت مطالب جهان امروز با نویسندگان

آن است و تنها مطالبی که با نام جهان امروز امضا شده باشد، موضع رسمی نشریه است.

\* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.

\* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۳ است.

برابری زن و مرد با طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این طبقه صرفاً یک مسئله ایدئولوژیک نیست، بلکه مسئله ایست که به مبارزه طبقاتی و حیات واقعی زنان و مردان طبقه کارگر مربوط است. لیبرال ها بدلیل اینکه به عنصر اقتصادی در تبعیض جنسیتی اهمیت نمی دهند، اساساً قادر نیستند درد و آلم ناشی از بی حقوقی زنان را در زمینه اقتصاد درک کنند و بهمین دلیل میلیون ها زن خانه دار را از پروژه برابری طلبی حذف می کنند و در نتیجه جنبش زنان در استراتژی احزاب بورژوائی و لیبرالها صرفاً جنبش زنان نخبه است و بهیچ عنوان شامل توده زنان کارگر نخواهد شد.

دومین واقعیت این است که طبقه کارگر و کمونیست های این طبقه باید بیش از این درنگ نکنند و تلاش برای تشکیل یابی زنان خانه دار را به مثابه بخشی از طبقه کارگر در اولویت خود قرار دهند. سیر رو به رشد مبارزات کارگری و تشکل یابی کارگران یک اتفاق غیرقابل انکار است. هرچند خانواده های کارگری در مبارزات چند سال گذشته نقش مهمی ایفا کرده اند و دوش به دوش فعالین جنبش کارگری از مبارزات و مطالبات آنان دفاع کرده اند، اما به نظر می رسد این دخالت و پشتیبانی عمدتاً جنبه عاطفی داشته و کمتر یک امر سازمان یافته از طرف رهبران و فعالین جنبش کارگری بوده باشد.

فعالین جنبش کارگری و رهبران این جنبش باید به شرکت فعال خانواده ها در مبارزات کارگری اهمیت بیشتری بدهند. شرکت خانواده های کارگری در مبارزات کارگران ممکن است بخشا به این بهانه باشد که با به خطر افتادن نان آور خانواده عملاً کل خانواده به خطر خواهد افتاد، اما این فقط یک روی قضیه است و روی دیگر آن وظیفه فعالین و رهبران جنبش کارگری و تشکل های کارگری برای کمک به ایجاد تشکل مستقل زنان کارگر است.

سومین واقعیت این است که اولین تشکل مستقل زنان کارگر می تواند از میان زنان کارگر خانه دار سر بیرون آورد. زنان خانه دار بخشی از طبقه کارگر هستند که به بی رحمانه ترین شیوه استثمار می شوند، همچنین یک توده عظیم هستند که روزانه مصائب ناشی از استثمار را با گوشت و پوست و استخوان لمس میکنند، شرکت آنان در مبارزات کارگری می تواند در زمینه وحدت طبقه کارگر بسیار مؤثر باشد.

طبقه کارگر نباید به ساختار مردانه رضایت بدهد و باید موجبات دخالت گسترده برای مشارکت فعال زنان در شوراها و اتحادیه های بیکاران و کارگران را فراهم نماید. جنبش زنان و جنبش کارگری نباید و نمیتواند جدا از هم باشند چون بدون اتحاد با یکدیگر هیچکدام موفق نخواهند شد.

اکنون لازمست به ذکر چند نکته مهم پردازم:

جدایی جنسیتی، تفرقه بین زن و مرد ایجاد می کند. ایجاد رقابت بین زن و مرد در بازار کار به زیان جنبش کارگریست. امتیاز دادن دین و سرمایه داری در قوانین به مردان، برای مهار پتانسیل زنان، ارباب آنان، از اجتماع دور نگهداشتن شان، خشونت بر زنان همه به ضرر جنبش کارگری است و رهبران آگاه و سوسیالیست جنبش های اجتماعی و وظیفه دارند آگاهی سوسیالیستی مرد و زن زحمتکش را بالا ببرند. مردان پیشرو و سوسیالیست باید آگاهانه از این امتیاز فاصله گرفته و چشم پوشی کنند. مصلحت طبقاتی را نباید فدای نفع شخصی کرد.

با بردن آگاهی سوسیالیستی بدرون طبقه کارگر از زن و مرد، این واقعیت که کدام گرایش و افق تامین کننده برابری زن و

مرد است بر زحمتکشان روشن می شود و تفاوت استراتژی لیبرالی و سوسیالیستی بوضوح مشاهده می شود آنگاه توازن قوا و درجه آمادگی طبقه کارگر و تشکل های آنان، درجه اتحاد جنبش هاست که تعیین کننده خواهد بود برای اینکه انقلابی اساساً صورت بگیرد و ستمدیدگان از هر نوع ستم رهایی یابند.

با توجه به بحران جهانی سرمایه، شرایط محیط زیست و کم شدن باران و گرانی محصولات مورد نیاز بشر، افزایش جمعیت و بالا رفتن سطح توقع و انتظارات جوانان، افزایش بیکاری و درآمد پائین کارگران، حتی دو حقوق کارگری هم کفاف مخارج یک خانواده را نمی دهد. بهمین دلیل زنان کارگر باید استقلال مالی و دستمزد برابر با مردان در کارهای مشابه داشته باشند. همه بیکاران از جمله زنان خانه دار باید خواهان کار یا بیمه بیکاری مکفی باشند. جدایی دین از دولت از مهمترین فاکتورهای مؤثر بر وضعیت زندگی زنان در دنیاست.

زنان تا خود به میدان نیابند کمتر کسی ب فکر آنان است، زنان کارگر و پیشروان جنبش کارگری اعم از زن و مرد، امر سازمانیابی زنان درون طبقه کارگر را باید در صدر کارهای عاجل خود گذاشته و در این رابطه اقدامات فوری و جدی بعمل بیاورند. تعیین اولویت ها و مطالبات زنان نیز از کارهای عاجل است.

لیبرالها و سرمایه داران در حرف شعار برابری حقوقی زن و مرد را می دهند اما حاضر نیستند از سود سرمایه برایش هزینه پردازند، اما گرایش سوسیالیستی در عمل زمینه استثمار از زن را از بین می برد. برای تامین برابری برنامه اقتصادی دارد. کار خانگی را عمومی می کند. امکان نگهداری از کودکان را بطور مجانی در خدمت همگان قرار می دهد. موانع سد راه فعالیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان را برمی دارد چون بدنال کسب سود نیست بلکه رفاه و سعادت جامعه را مد نظر دارد.

تامین برابری زن و مرد امر سوسیالیست هاست و نباید منتظر جریانات راست بود بدلخواه ما عمل کنند. هر قدر در دست بردن به تبلیغ و ترویج و سازماندهی تاخیر کنیم بهمان اندازه از گرایش لیبرالی عقب خواهیم ماند و نیرو و پتانسیل جوانان و زنان طبقه کارگر به هرز خواهد رفت. قشر کمتر آگاه این طبقه در نبود آترناتیو سوسیالیستی، دنباله رو جریانات انحرافی راست خواهند شد و بدنال شعارهای بی محتوا و زرق و برقدار آنان به سراب می رسند. ریزش و تحزب گریزی زنان از جریانات چپ به همین دلیل روی می دهد.

رهایی زنان و مردان طبقه کارگر بدست خود آنان و نیروی یکپارچه و متحدشان ممکن و میسر خواهد شد. ما تجربه انقلاب دیگری را از سر گذرانده ایم و مطلقاً در انتظار امپریالیست ها نیستیم که برایمان آترناتیوسازی کنند و چون افغانستان و عراق و لیبی بر سرمان بیاورند. زنان و مردان ایرانی آبدیده و آگاهتر از آنند که چنین اجازه ای به دول غربی بدهند و اینرا آنان نیز خوب می دانند، پس تنها چاره ما برای رهایی و رسیدن به آزادی و برابری، یک راه است. اتحاد صفوف طبقاتیمان و پلاتفرم مشترک برای مبارزه با راه حلهای سرمایه دارانه که می خواهند سرمایه را نجات دهند نه انسانها را. برای این اتحاد هرچه زودتر بجنبیم دیر است چرا که در اعتراضات و شرایط پیش بینی نشده ممکنست غافلگیر شویم و تجربه قیام قبلی سال ۵۷، در نا آمادگی قطب رادیکال تکرار شود.

مارس ۲۰۱۲

تماس با  
کمیته و نشریات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با  
کمیته و نشریات  
دلال کومه له (تکس)

takesh.komalah@gmail.com



فرشید شکری

## هشت مارس دیگری آمد و رفت!



بیش از یک قرن است کمونیست

ها و زنان و مردان آزادیخواه هر ساله به پیشواز روز جهانی زن میروند و در مراسم هشت مارس ضمن صدور قطعنامه هایی به مناسبت این روز و تأکید بر ادامه مبارزاتشان علیه تبعیض جنسیتی، یاد و خاطره تمامی مبارزینی که در راستای برابری انسانها مرارت ها دیده اند، سختی ها کشیده اند، و یا جانشان را فدا کرده اند، گرامی می دارند.

امسال در شرایطی مراسم های روز جهانی زن برگزار شدند که از مارس ۲۰۱۱ به این طرف، زنان دنیا همچنان از اقسام ستم ها و بی حقوقی ها عذاب کشیدند. ظرف این مدت، رشد فقر و فلاکت اقتصادی، و تداوم برخوردها و رفتارهای ضد انسانی با زنان که از سوی مجامع مذهبی و رهبران دینی همه ادیان آسمانی در کشورهای استبداد زده ای نظیر ایران - و حتی در سرزمین های غربی - تبلیغ و ترویج می شوند، تک به تک موقعیت زندگی بغایت جان فرسا و مصیبت بارتری را برای زنان در اقصی نقاط جهان بار آوردند.

هرچند محصول تا کنونی به چالش کشیده شدن آپارتاید جنسیتی از طرف جنبش های کارگری و رهایی زن این بوده که هر یک از هیأت های حاکمه جهان بنا به مصالح طبقاتی خود پاره ای از حقوق زنان را برسمیت بشناسند. گرچه نهادها و سازمانهای [حقوق بشری] و مدافع حقوق زن برای تخفیف رنج های زنان فعالیت دارند. با آنکه در ممالک سرمایه داری پیشرفته - و بخشا توسعه نیافته - تعدادی از زنان طبقات پائینی در شکل های کارگری (اتحادیه و سندیکا) حضور دارند و مجدانه جهت بهبود وضعیت کار و معیشت کارگران علی العموم، بویژه زنان کارگر مبارزه می کنند. با این اوصاف اعمال ستم بر زنان در حوزه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، کماکان یکی از مشخصه های بارز کلیه جوامع سرمایه داری است. افزون بر این هر روزه در این دنیای پر از نکت و ظلم و نابرابری، شماری از زنان مورد خشونت و تعرض قرار می گیرند، به انحاء مختلف به قتل می رسند و یا در جنگ هایی که اینک در نقاطی از جهان جریان دارند، به همراه کودکان و سالمندان کشته می شوند.

### وضعیت زنان ایران

با بیان شمایی از شرایط بحرانی و اسفبار زنان جهان زیر سیطره و هژمونی سرمایه داری مرد سالار و زن ستیز و جنگ افروز، به وضعیت زنان ایران نظری می افکنیم. مبارزین کمونیست و انسان های آزادیخواه و برابری طلب جامعه در حالی مراسمات روز جهانی زن را برگزار کردند که قوانین رسمی

مواد مخدر» توسط عناصر و باندهای حاکمیت، علل اصلی سر درآوردن و تثبیت چنین ناهنجاری هایی در ایران اند. آنان می دانند که، رژیم بورژوا اسلامی و سیاست های آن، باعث و بانی این بدبختی ها برای زنان و دختران خانواده های فقیر و کم درآمد اند.

مردم فهم جامعه دریافته اند تا وقتی که مسبب فقر و فلاکت اقتصادی توده ها (نظام بورژوا اسلامی) بر مسند قدرت است، تا هنگامی که اوامر و دستورات مذهبی علیه زنان اعمال شوند، و تا زمانی که فرهنگ مرد سالاری برای به انقیاد کشیدن زنان در جامعه ترویج شود، این ناهنجاری ها و ستم کشی زنان را پایانی نیست و حال و روز زنان ایران، خصوصاً زنان طبقات استثمار شونده و تهیدست، همین خواهد بود که هست.

### مسئله زن، کدام راه حل؟

بدواً جای گفتن دارد که، به غیر از کمونیست ها و همه آن انسان های آزاده ای که صادقانه و با عزم و اراده ای راسخ برای آزادی و نجات زنان از شر رژیم مستبد جمهوری اسلامی مبارزه می کنند، افراد و جریانات راست جامعه (اپوزیسیون بورژوا- لیبرال و لائیک) هم دفاع از زنان ستمکش جامعه را برخ می کنند تا نظر زنان ستم دیده کشور را برابند و بدین نحو از نیروی عظیم ایشان در جدال با حاکمیت بهره مند گردند. اینان که ریاکارانه از حرمت و کرامت انسانها دم میزنند و مدعی مبارزه بر ضد ستم کشی زنان اند، در تبیین مسئله زن، صرفاً نظام دینی حاکم، رواج مذهب در بین لایه هایی از مردم و مرد سالاری را برجسته می کنند.

مسئله این فاکتورها به تنهایی ریشه اصلی ستم کشی زنان را نمی شناساند. اگر بناسست تاروی این عوامل واقعی انگشت گذشته گذاشته شود، باید اینرا نیز بازگو کرد که نظام سیاسی حاکم، فرهنگ مردسالاری و مذهب - همان ساختارهای روبنایی ای که بی حقوقی زنان ایران را موجب گشته اند - اساساً محافظت از زیر بنا و تأمین شرایطی مطلوب برای تولید ارزش اضافی را بر عهده دارند. بعبارت دیگر این سازه ها که اشکال گوناگون ستم کشی زنان را شدت بخشیده اند، مکانیسم هایی اند که کوهی از ارزش اضافی را برای سرمایه داری حاکم تولید می کنند. با کاهش بیشتر ارزش نیروی کار زنان که در دستمزدهای کمتر نمود یافته، با قوانینی که ورود زنان را به بازار کار محدود کرده اند، و با ممانعت مردان سنتی از کار کردن زنان، که موارد دوم و سوم بیکاری و خانه داری میلیون ها زن را بدنبال داشته اند، سالیانه حجم بزرگی از ارزش اضافی خلق و به جیب مبارک صاحبان سرمایه

جمهوری اسلامی مثل قانون حمایت از خانواده، ارث، طلاق، چند همسری، جداسازی مراکز آموزش عالی و غیره، زنان فرودست این دیار را به تنگ آورده اند. روز جهانی زن در حالی گرفته شد که برغم چند دهه پیکار و جانفشانی در راستای برابری میان زن و مرد، هنوز زنان ایران جزو بی حقوق ترین و سیه روزترین اقشار اجتماعی اند، و هنوز حرمت و کرامت انسانی آنها توسط نهادهای حکومتی و مردان مرتجع و واپسگرا لگد مال می شود. لیکن مسئله تنها بی حقوقی زنان و جنس دوم بودن ایشان نیست.

تن فروشی، تکدی گری، اعتیاد، آوارگی و کارتن خوابی آن آلام و مصائبی اند که در طول حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، مداوماً سیر صعودی داشته اند. این ناهنجاری ها هر روزه شماری از زنان و دختران طبقه کارگر و زحمتکش را بکام خود فرو می برند. دم به ساعت بر تعداد زنان و دختران تن فروش، معتاد و کارتن خواب افزوده می شود.

سیمای شهرهای کوچک و بزرگ "به یمن" حاکمیت دینداران، "آراسته" به زنان و دختران بی پناه و بی پشتیبانی است که در خیابان های پر تردد، معابر عمومی و پارک ها، برای زنده ماندن بناچار تکدی گری را پیشه کرده اند. چهره شهرها "مزین" به زنان و دختران سیه روزی است که در جستجوی تهیه مواد مخدر اند و یا در انتظار مردان بلهوس و هرزه ای اند که بابت استفاده از تن های رنجور این بی گناهان پول خرج کنند. بنگرید چه زخم عمیقی بر پیکر جامعه زده اند. بنگرید چگونه دسته دسته گل های زیبا و خوشبوی این ملک پرپر می شوند. اما، در این شرایط نکت بار برخی از "جامعه شناسان و روانشناسانی" که سر در آخور سرمایه داری دارند، در تشریح و توضیح زمینه های پیدایش و وسعت یافتگی پدیده های فوق الذکر، دلایل اجتماعی زیادی را همچون مشکلات روحی و روانی، از هم پاشیدگی کانون خانواده، بی توجهی والدین به امر تربیت، و محیط های آلوده و ناسالم - که این مسائل هم ربط مستقیم به نظام سرمایه داری دارند و خود این سیستم آفریننده این پلشتی هاست - ردیف می کنند.

حقیقت این است که این مزدوران بخیال خود دارند منشأ اصلی دردهای جامعه را از توده های ستمکش مستور و پنهان می سازند. آنان تصور می کنند با معطوف نمودن اذهان توده های معترض به آن موضوعات، نظام اقتصادی- سیاسی مسلط بر جامعه از هر خطایی میرا، و از پاسخگویی و مسئولیت در قبال این مصائب رها می گردد. اما، کوشش های آنها در پرده پوشی حقایق آب در هاون کوبیدن است. اکثریت شهروندان می دانند که «دستمزدهای پائین»، «بیکاری»، «فقر» و «تجارت



سرازمی می شود.  
بورژوازی لیبرال و لائیک  
که بر سر تصاحب همین  
ارزش اضافی با هم طبقه ای مرتجع  
خود درگیر است، با چسبیدن به این  
فاکتورها در تبیین مسئله زن، همچنین  
برابری حقوقی میان زن و مرد (بعنوان  
یک خواست و مطالبه پایه ای جنبش  
رهایی زن) را که گویا در سایه بقدرت  
رسیدن و حکومت آنها قانونی می  
شود و رسمیت می یابد، مناسب ترین  
پاسخ به مسئله زن در ایران معرفی می  
کند.

البته نا گفته نماند که فرا روی و عبور  
«کل زنان» جامعه از این موقعیت  
سخت و آزار دهنده و دستیابی ایشان  
به حقوق مساوی با مردان، مانند  
جدایی دین از دولت گامی به پیش  
می باشد؛ ولی این برابری حقوقی در  
چارچوب تولید کاپیتالیستی هیچگاه  
بمنزله خاتمه یافتن دیگر جوانب  
تبعیض علیه اکثریت زنان (زنان  
طبقات تحتانی) نیست.

واقعیت اینست که سکولاریسم و  
برابری حقوقی مسئله ستم کشی زنان  
کارگر در «غرب» و سایر جوامع  
طبقه ای را بطور عمده و درخور  
توجه برطرف نکرده اند و هرگز  
برطرف نخواهند کرد. آنهایی که در  
جوامع بورژوازی پیشرفته و سکولار  
مثل ایالات متحده، کانادا، انگلستان،  
سوئد، آلمان، فرانسه و... اقامت دارند،  
شاهدند که فقط زنان طبقات حاکم از  
حقوق مساوی با مردان هم طبقه ای  
خود برخوردار می باشند.

بنابر این ساده اندیشی است چنانچه  
گمان برد که بدون منهدم شدن  
مناسبات و شیوه تولید سرمایه داری،  
سکولاریسم و برابری حقوقی، مسئله  
زنان کارگر و زحمتکش ایران را فیصله  
خواهند داد. از آنجایی که تبعیض  
جنسیتی از اجزای جدایی ناپذیر نظام  
سرمایه داری است و تولید و باز تولید  
آن برای این سیستم استثمارگر و ضد  
انسانی مطلوبیت دارد و بدان منفعت  
می رساند، لذا رفع مسئله زن، رسالت  
طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه  
است. بدون هر تعارفی و به صراحت  
عنوان می داریم که رهایی قطعی زنان  
از ستم ممکن نخواهد شد، مگر طبقه  
کارگر به حاکمیت سرمایه دارها -  
مذهبی یا لائیک - پایان دهد و خود  
را رها سازد. این راه حل مسئله زن در  
ایران و جهان است.

هشتم مارس ۲۰۱۲

## برگزاری باشکوه مراسم ۸ مارس در مقر مرکزی کومه له

علیه مردم ایران به ویژه زنان پرداخت و راه برون رفت از  
مصیبت های جمهوری اسلامی را نه در محاصره اقتصادی  
و حمله نظامی غرب به این کشور، بلکه حاصل انقلاب  
توده های کارگر و زحمتکش در ایران برشمرد، که آزادی  
زن پیش شرط آزادی کل جامعه باشد.

در ادامه گروه سرود کومه له، سرود "کاروان انقلاب"  
را اجرا نمودند که مورد تشویق گرم حاضرین قرار  
گرفتند. در ادامه هنرمند انقلابی "کالی آتشی" سرودی  
را دکلمه کرد. سپس پیام سازمان ها، احزاب و تشکل  
های زنان و نهادهای مردمی که تا آن لحظه به دست  
مجریان برنامه رسیده بود، قرائت گردید. در ادامه گروه  
سرود کومه له "سرود یاران" را به زبان فارسی اجرا کردند  
که مورد تشویق گرم حاضرین قرار گرفت. آخرین بخش  
این قسمت از برنامه، هنرنمایی خواننده محبوب "فینک  
فاروق" بود که با اجرای چندین ترانه با استقبال پرشور  
حاضرین روبرو گردید.

بخش پایانی برنامه شادی و پایکوبی حاضرین بود که تا  
نزدیکی ساعت ۶ بعداز ظهر ادامه یافت. این مراسم  
پرشور در میان شادی و شوق حاضرین و بدرقه گرم  
همانان توسط پیشمرگان کومه له پایان یافت.



## جنبش رهائی زنان، افق ها و دورنماها!

(کنفرانس ۶ تا ۸ آوریل در هامبورگ)

**فریبا امیرخیزی:** بندهایی بر پای دختران دانشجو  
**پروانه بکا:** مگامی به کج راهها و بیراهه های جنبش  
زنان

**لیلا پرنیان:** درک های نادرست نسبت به مسئله زن در  
جنبش کمونیستی و ضرورت گسست از آن

**فریده رضایی:** نقش و جایگاه زنان پیشرو در جنبش  
انقلابی کردستان و تاثیر گذاری آنان در مبارزات زنان،  
مبارزه مسلحانه، مبارزه بر علیه مردسالاری

**سحر سرفراز:** مشکلات دو نسل در خارج از کشور  
بویژه دیدگاه های مردسالارانه حاکم در خانواده ها

**سهیلا قادری:** لایسیتیه و تاثیرات آن بر مبارزات  
رهایی بخش زنان

**گلشن کاظمی:** کمپین یک میلیون امضا، اهداف، جایگاه  
و تاثیر بر دختران جوان و رادیکال

**صدیقه محمدی:** موانع تشکل یابی و تفاوت نظری  
میان فعالین گرایش سوسیالیستی

**یاسمین میظر:** بحران اقتصاد سرمایه وموقعیت زنان

**برنامه های هنری:**

**زیبا کرباسی:** شعر خوانی

کتایون حسینی: موسیقی و آواز

نمایش فیلم

با شرکت خود در این گردهم آئی، گرایش انقلابی  
و رادیکال درون جنبش زنان را تقویت کنید.

اطلاعات بیشتر را از طریق آدرس زیر دریافت کنید

Zanane.chap@live.com



بنا به گزارش کمیته برگزاری مراسم روز جهانی زن،  
روز ۸ مارس مراسم باشکوهی با حضور نزدیک به هزار  
نفر راس ساعت ۳ بعدازظهر در مقر مرکزی کومه له در  
روستای زرگویز در نزدیک شهر سلیمانیه برگزار گردید.  
در ابتدای مراسم مجریان برنامه "پروین علیمرادی و ناصر  
کریمی" ضمن خوش آمدگویی به مهمانان، لیست برنامه  
را به اطلاع حاضرین رساندند. مراسم با سرود انترناسیونال  
سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر توسط گروه سرود  
کومه له آغاز و با یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد  
جانباختگان راه آزادی و قربانیان نظام مردسالار ادامه  
یافت. سکوت با دکلمه قطعه شعری شکسته شد. در  
ادامه گروه ناصری عضو کمیته مرکزی کومه له و حزب  
کمونیست ایران، پیام کمیته مرکزی کومه له به مناسبت ۸  
مارس روز جهانی زن را به اطلاع حاضرین رساند. گروه  
ناصری در بخشی از سخنانش ضمن گرامیداشت یاد همه  
زنان مبارزی که در راه آزادی و برابری انسان ها جانباخته  
اند، به تحولات یکسال اخیر منطقه خاورمیانه و شمال  
آفریقا پرداخت و بالادستی جریانات اسلامی را خطری  
علیه انقلابات مردم این مناطق و به ویژه مطالبات برابری  
طلبانه زنان برشمرد. سپس به وضعیت ایران و سیاست  
های سرکوبگرانه حکومت مذهبی حاکم بر این کشور

ما در آستانه دگرگونی های سیاسی و اجتماعی ناگزیری  
ایستاده ایم. بدون شک زنان نیروی اجتماعی بزرگ و  
تاثیر گذاری در تغییر و تحولات سیاسی آینده ایران  
خواهند بود. اما سؤال اینجاست که به نفع چه طبقه  
و برنامه ای عمل خواهند کرد؟ آیا قادر خواهند بود  
برنامه، افق وجهتی را در پیش بگیرند که منطبق بر  
رهائی کامل زنان باشد؟ آیا قادر خواهند بود تشخیص  
دهند که عمیق ترین منافعشان در دگرگونی انقلابی  
نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک در  
ایران است؟

این مسئله به طور تعیین کننده ای وابسته به دخالتگری  
زنان رادیکال و انقلابی و کمونیست در جنبش زنان  
است. دخالتگری نظری و عملی آنان می تواند در  
جایجایی تناسب قوای موجود در جنبش زنان نقش  
بالائی را ایفا کند و از این طریق بر کل صحنه سیاسی  
و صف آرائی طبقاتی در ایران تاثیر گذارد. در این  
راستا شفافیت بخشیدن به افق و برنامه در زمینه مبارزه  
رهائی بخش زنان نیازمند دامن زدن به بحث و جدل  
و جوشش فکری است. نشست ۶ تا ۸ آوریل ۲۰۱۲  
در شهر هامبورگ (آلمان) در خدمت به این معضلات  
برگزار خواهد شد.

**سخنرانان و موضوع سخنرانی به ترتیب حروف الفبا:**

**فرخنده آشنا:** سازمان یابی تشکلهای مستقل کارگری

**امیلیا اسپارتنک:** کدام پراتیک مشخص جهت بر هم  
زدن توازن قوای موجود در جنبش زنان نیاز است؟

**مرجان افتخاری:** رفرمیسم تهدیدی برای جنبش زنان  
و جنبش مبارزاتی

## پیام کمیته مرکزی کومه له به مناسبت پاسخ قاطعانه مردم کردستان به فراخوان شرکت نکردن در انتخابات فرمایشی مجلس رژیم

مردم آزادیخواه کردستان! حرکت آگاهانه و متحدانه شما مبنی بر شرکت نکردن در انتخابات فرمایشی دستپخت رژیم جمهوری اسلامی در روز جمعه ۱۲ اسفندماه ۱۳۹۰، برگ زرین دیگری بود در جنبش انقلابی مردم کردستان. در این روز شما مردم مبارز یکصدا و با اراده ای محکم با شرکت نکردن تان در نمایش انتخاباتی مجلس رژیم یک بار دیگر نامشروع بودن این رژیم را در برابر چشمان مردم جهان افشا نمودید. شما نشان دادید که نه تهدید و ارعاب و نه فریب و نیرنگ نمی تواند راه را بر اجرای تصمیم قاطعانه شما سد کند. فراخوان به شرکت نکردن در انتخابات فرمایشی رژیم در حد بسیار چشمگیری در سطح سراسری در ایران هم پاسخ گرفت و در این سطح هم رژیم شاهد یکی از بی رونق ترین انتخابات همه دوره حاکمیت خود بود.

شما مردم مبارز اجازه ندادید که جمهوری اسلامی به جهانیان بگوید که گویا مردم کردستان حاکمیت این رژیم را به رسمیت می شناسند. شما با نرفتن تان به پای صندوق های رای نشان دادید که این به اصطلاح انتخابات فرمایشی است، آرای درون صندوق ها تقلبی اند، انتخاب شدگان جیره خور رژیم اند، نه نماینده مردم.

همه تبلیغات رژیم، همه شایعه پراکنی ها و دروغ پردازی ها، همه پول و امکاناتی که در این راه صرف کرد، همگی نقش بر آب شدند. یک بار دیگر این حقیقت آشکار شد که در مقاطع حساس و در شرایطی که مردم کردستان احساس کنند که دارای یک مصلحت سیاسی مشترک پر اهمیتی هستند، با اراده محکم و متحدانه به میدان می آیند و دشمن در برابر این نمایش اراده توده ای، زیون و ناتوان است.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که ابتدایی ترین آزادی های فردی، سیاسی و اجتماعی از مردم سلب شده است، هر گونه ندای حق طلبانه با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ می گیرد، هر نوع انتخاباتی از ابتدا تا انتها تقلب و جعل و دغلكاری است، شما اجازه ندادید که رژیم بتواند شماری از جیره خوران خود را به نام شما بر کرسی های مجلس بنشانند.

این رویداد و رویدادهای مشابه که بدون شک در آینده نیز روی خواهند داد، نقطه اتکای مردم کردستان برای حرکت به سمت پیروزی نهایی، به سوی ریشه کن کردن قدرت ستمکاران و استثمارگران در این جامعه است.

بدون شک پیروزی روز ۱۲ اسفند صفوف مبارزه مشترک برای سرنگونی جمهوری اسلامی را فشرده تر خواهد کرد. در س ها و تجارب این مبارزه را غنی تر می سازد. پیوند مبارزه مشترک مردم کردستان با مردم سراسر ایران را محکم تر خواهد ساخت.

کمیته مرکزی کومه له همراه با قدرانی از این موضع متحدانه ای که در پاسخ به فراخوان های بایکوت انتخابات فرمایشی مجلس رژیم گرفتید، این پیروزی را به شما شادباش می گوید.

کمیته مرکزی کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

۱۳ اسفندماه ۱۳۹۰ برابر با ۳ مارس ۲۰۱۲



## برگزاری مراسم گرامیداشت یاد و خاطره رفقای جانباخته گردان شوان

خانواده های آنان، فعالین سیاسی و مهمانان برگزار گردید. این مراسم با خوش آمدگویی مجری برنامه "شاهین خلیلی" به حضار و مهمانان، با سرود انترناسیونال و اعلام یک دقیقه سکوت به احترام رفقای جانباخته گردان شوان آغاز گردید. سپس "کاله آتشی" با سرود "مقاومت" را اجرا نمود. در ادامه "رئوف پرستار" مسئول نظامی و عضو کمیته مرکزی کومه له و حزب کمونیست ایران به ایراد سخنرانی پرداخت. وی در سخنان خود ضمن گرامیداشت یاد قربانیان بمباران شیمیایی حلبچه و تجلیل از جانبازی پیشمرگان گردان شوان، به انگیزه های ارتجاعی و جنایتکارانه جنگ ۸ ساله ایران و عراق از هر دو سو اشاره کرد. وی در همین رابطه تاکید نمود که نیروی پیشمرگ کومه له طبق یک سیاست روشن، مبارزات خود را مستقل از جبهه های این جنگ ارتجاعی به پیش برده است. رئوف پرستار در بخش دیگری از سخنان خود، جزئیات مربوط به دام افتادن واحدهای گردان شوان که به جانباختن آنان منجر شد را تشریح و در پایان با اهداف و آرزوهای جانباختگان تجدید پیمان نمود و سخنانش را با ادای احترام نسبت به خانواده های جانباختگان به اتمام رساند. در ادامه دکلمه قطعه شعری به نام "در گرامیداشت گردان شوان" از سوی "ترزه عباسی" با استقبال شرکت کنندگان در مراسم روبرو گردید. سپس نام تک تک رفقای جانباخته گردان شوان توسط مجری برنامه قرائت گردید و دکلمه شعری به نام "گردان شوان" توسط "سعید امانی" پایان بخش مراسم بود.

روز جمعه ۲۶ اسفندماه مصادف با بیست و چهارمین سالگرد جانباختن رفقای گردان شوان، مراسمی باشکوه در مقر مرکزی کومه له و سپس بر سر مزار رفقای جانباخته در گورستان "شیخ احمد هندی" شهر سلیمانیه برگزار گردید.

راس ساعت ۶ صبح مراسم صبحگاه به پاس احترام به یاد و خاطره رفقای قهرمان گردان شوان با شرکت واحدهای پیشمرگان کومه له در مقر مرکزی کومه له برگزار گردید. در ابتدای مراسم، مجری صبحگاه "شاهین خلیلی" ضمن گرامیداشت یاد رفقای قهرمان گردان شوان و جانباختگان فاجعه بمباران شیمیایی شهر حلبچه برنامه را آغاز کرد. سپس "کاله آتشی" سرود انترناسیونال را اجرا نمود. در ادامه به پاس احترام به رفقای گردان شوان و جانباختگان شهر حلبچه یک دقیقه سکوت اعلام گردید. سپس "حسن رحمان پناه" عضو کمیته مرکزی کومه له در سخنانی کوتاه ضمن گرامیداشت یاد و خاطره رفقای جانباخته گردان شوان و پنج هزار قربانیان بیدفاع شهر حلبچه، ضمن محکوم کردن جنایت هولناک بمباران شیمیایی حلبچه به تشریح ابعاد این رویداد دردناک پرداخت و در پایان سخنان خود، بر ادامه راه کمونیستی جانباختگان گردان شوان و سایر جانباختگان راه سوسیالیسم و برابری انسان تاکید نمود. در خاتمه مراسم صبحگاهی با دکلمه قطعه شعری به پایان رسید.

در ادامه، دومین مراسم راس ساعت ۳ بعدازظهر در محل مزار رفقای جانباخته گردان شوان در گورستان "شیخ احمد هندی" شهر سلیمانیه با حضور صدها تن از پیشمرگان و دوستداران کومه له و حزب کمونیست ایران،

سایت حزب کمونیست ایران

[www.cpiran.org](http://www.cpiran.org)

سایت کومه له

[www.komalah.org](http://www.komalah.org)

سایت تلویزیون کومه له

[www.tvkomala.com](http://www.tvkomala.com)

از سایت های حزب  
کمونیست ایران  
و کومه له دیدن  
کنید!





## سالگرد کمون. اولین حکومت کارگری

انهدام تمام و کمال نظم و نسق جامعه سرمایه‌داری برپا می‌شود. کمون همان شکل سیاسی ای است که رهایی اقتصادی کار را ممکن می‌سازد. کمون الگوی سیاسی حکومت کارگری در جهان است. امروز بعد از گذشت ۱۴۱ سال از اولین تجربه حکومت متمدن و آزاد و انسانی کارگران، بشریت تحت سیطره حاکمیت نظام سرمایه‌داری هر چه بیشتر در قید و بندهای اسارت آور مناسبات ناعادلانه و استثمارگرانه موجود، به تباهی کشانده شده است.

امروز جامعه بشری تحت حاکمیت سرمایه‌داران و سیستم سرمایه‌داری جهانی، در بحران و فلاکت دست و پا می‌زند. انقلاب اجتماعی کارگران و برپایی جامعه سوسیالیستی تنها راه نجات از تمام مظالم این اجتماع وارونه است. کمون الگوی چنین جامعه‌ای است.

اگر کمون پاریس، این اولین حکومت کارگری جهان توسط دولت‌های سرمایه‌داری و سرکوب خونین کارگران مبارز و بپاخاسته آن به شکست کشانده شده اما به گفته مارکس: «پاریس کارگر با کمونش به عنوان پیشتاز پر افتخار جامعه نو جاوید خواهد ماند و جانباختگان آن در قلب بزرگ طبقه کارگر جای خواهند داشت.»

در سالگرد کمون این واقعیت را باید تکرار و تکرار کرد که امر کمون، امر انقلاب اجتماعی بود، امر رهایی کامل سیاسی اقتصادی زحمتکش‌ها بود، امر پرولتاریای جهان بود و به این اعتبار کمون نمرده و همیشه زنده است.

یاد کمون پاریس اولین حکومت شورایی کارگری جهان را با تلاش و مبارزه هر چه بیشتر علیه نظام ضدانسانی سرمایه‌داری و برقراری حکومت کارگری - حکومت صاحبان اصلی این جامعه - گرامی می‌داریم.

این اقدامات عبارت بودند از: بدست گرفتن کارخانه‌ها و سپردن اداره آنها به تعاونی‌های کارگری، لغو کار شبانه کارگران نانوایان، ممنوع کردن جریمه و کسر دستمزد کارگران، برقراری تحصیل رایگان، جدایی مذهب از دولت و پایان دادن به حاکمیت کلیسا و همچنین ملی کردن اموال و املاک کلیسا، به آتش کشیدن گیوتین‌ها که تا آن زمان هزاران انقلابی و مخالف دولت سرمایه‌داری فرانسه را با آن در برابر عموم مردم اعدام کرده بودند. واژگون کردن ستون «واندوم» - این ستون با استفاده از آهن پاره توپ‌های به غنیمت گرفته شده توسط ناپلئون ساخته شده بود و نشانه شوونیسم و عظمت طلبی فرانسه بر دیگر ملل و وسیله‌ای برای تحریک دشمنی و ایجاد کینه بین ملت‌ها بود.

حکومت سرمایه‌داری فرانسه که در بیرون پاریس تجدید سازمان یافته بود سرانجام توانست به کمک حکومت سرمایه‌داری پروس کمون پاریس را محاصره نماید. دولت پروس اسپران جنگی فرانسوی را به حکومت فرانسه که در آن زمان در کاخ «ورسای» در حوالی پاریس مستقر شده بود تحویل داد و در محاصره کردن کمون پاریس، به کمک حکومت سرمایه‌داری فرانسه برخاست و سرانجام پس از دو ماه و ده روز حاکمان ستمگر سرمایه‌داری فرانسه، پاریس را به خاک و خون کشاندند و حکومت کارگران را به شکست کشاندند.

در جریان جنگ سنگر به سنگر و قهرمانانه کارگران پاریس، هزاران کارگر در راه دفاع از کمون جان باختند و بدین گونه در آخرین روزهای کمون نیز سنن فداکاری و رزمندگی کارگری در راه حفظ حاکمیت خود را به نمایش گذاشتند.

انقلاب کارگری کمون، علاوه بر اینکه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ مبارزاتی طبقه کارگر به ثبت رسیده است. همچنین برای اولین بار کمون سیمای انسان متمدن و جامعه پیشرو و آزاد را به تمام بشریت نشان داد. جامعه‌ای که فقط با

۱۸ مارس، سالروز برپایی «کمون پاریس» اولین حکومت کارگری جهان بود. ۱۴۱ سال پیش کارگران پاریس حکومت شورایی خود را بنیان گذاشتند. بشریت برای اولین بار جامعه‌ای نو، جامعه‌ای با قوانینی مبتنی بر آزادی و برابری را زیر پرچم دولت کارگری کمون تجربه کرد. جامعه بشری به درازای عمر حاکمیت سرمایه‌داری و تحت سیطره نظام انسان ستیز سرمایه‌داری، ملامت از جنگ‌های و آشکار و قسوات و وحشیگری سرمایه‌داران علیه کارگران بوده است. تمام الگوهای حکومتی سرمایه‌داران با هر درجه‌ای از اصلاح و رفرم، جز بر استثمار بی وقفه کارگران و مردم زحمتکش جامعه متکی نیستند.

اولین حکومت کارگری که با قیام کارگران پاریس در سال ۱۸۷۱ و در جهان بنام «کمون پاریس» مشهور گشته است، یکی از آن رویدادهای تاریخی مبارزه طبقاتی کارگران است که بنام طبقه کارگر فرانسه به ثبت رسیده است. در آن سالها، در نتیجه جنگی که بین دو دولت بورژوازی فرانسه و پروس در جریان بود به توده‌های کارگر و مردم ستمدیده ویرانی‌ها و سختی‌های فراوانی تحمیل گردید و کارگران پروس، فرانسه و انگلستان بارها با انجام تظاهرات و صدور بیانیه و اعلامیه از طریق جامعه بین‌المللی کارگران - انترناسیونال اول - مخالفت خود را با این جنگ اعلام کرده بودند.

کارگران پاریس، روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱ با قیام خود قوای دولتی را از پاریس بیرون رانده و ارتش سرکوبگر فرانسه را منحل کرده و نیروی مسلح خود را سازمان دادند. آنها همچنین دم و دستگاه‌های دولتی را منحل کردند. اعضای انتخابی کمون، حاکمیت را بدست گرفتند و توده‌های کارگر و زحمتکش شهر، بطور مسلحانه از حکومت خود دفاع کردند.

کمون پاریس از همان روزهای اول حاکمیتش یک سلسله اقدامات انقلابی را آغاز کرد که همگی از ماهیت کارگری بودن کمون نشأت گرفتند. مهمترین

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

آدرس‌های حزب کمونیست ایران و کومه له

C.D.C.R.I. Box 2018  
127 02 Skärholmen  
SWEDEN

نماینده‌گی کومه له در سلیمانیه  
3300657 - 3300561

نماینده‌گی کومه له در خارج کشور  
K.K. P.O.Box 75026  
750 26 Uppsala - Sweden

کمیته خارج کشور

کمیته مرکزی کومه له  
00964-7701520781  
00964-7707567855

Fax: 004686030981  
representation@komalah.org  
Tel: 0046 8 6030981

0046-707 254 016

دوشنبه و جمعه از ساعت 19 تا 22 به وقت اروپا

kkh@cpiran.org

Komala TV

Hotbird

Freq: ۱۱۶۴۲

Pol:H

Fec: ۳/۴

Sym: ۲۷۵۰۰

